

صفحه ۳۲

۱۰۹

# بیکار

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

بهاء ۳۰ ریال

سال سوم - دوشنبه ۱۸ خرداد ۱۳۶۰

## در صفحات دیگر این شماره:

- درباره حزب طبقه کارگر صفحه ۹
- لایحه قصاص: نمودار ماهیت ارتجاعی رژیم صفحه ۱۳
- چگونه به سازمان بیکار پیوستیم صفحه ۲۱
- اهواز: دختران انقلابی اسیر، زیر تازیانه ماموران رژیم صفحه ۲۲
- رژیم، شناسایی فلسطین بعنوان یک دولت رایس گرفت! صفحه ۳۲

**رفقای محلول حادثه دانشگاه  
و مدال افتخار در راه آزادی  
طبقه کارگر**

صفحه ۱۹

**زنده باد مبارزه  
طبقاتی در شوری  
امپریالیستی!**

صفحه ۲۵

**بودجه ۱۳۶۰:  
بودجه  
ورشکستگی  
و وابستگی**

**رژیم جمهوری اسلامی: پیش بسوی  
وابستگی بیشتر به امپریالیسم!**

نگاهی گذرا به قرارداد های اسارت جمهوری اسلامی در ماه های اخیر

رژیم جمهوری اسلامی به کواهی عملکرد و سیاست های دو سال و چند ماهه از هر قدرمی که برداشته در جهت بستن یازدن بدستاوردهای تمام شکوهمند خلقهای ایران و حفظ، تحکیم و گسترش سرما به داری وابسته ایران بوده و می باشد. مرتجعین بد قدرت خریده با تمام ادعای بر مکر و فریب و انقلابی نمائی - های برهیا هو و دروغین شان ، از همان روزهای اول زمانمداری - شان جزینفع سرما به داران و جز دربار سازی سرما به داری وابسته و نرمیم آسیب های وارد بر آن از طرف توده های رحمتکس و انقلابی در جریان ما هها می آرزو قهرمانه توده های تحت ستم و جزا سازی دستگا ههای اداری و نظامی سرکوبگر رژیم وابسته تا ه قدمی برداشته اند ، بختی از اس کارنامه سنگین رژیم را در زمینه شماره ۱ بفسه در صفحه ۱۵

**سازمان چریکهای فدایی خلق:  
تزلزل در برابر ضد انقلاب  
در کردستان!**

درباره موضع گیری فدائیان در قبال حملات اخیر حزب دمکرات به کومه له

صفحه ۵

**مبارزه پر شکوه کارگران  
اخراجی مجتمع فولاد  
و خیانت رویزیونیستها**

صفحه ۳

مسائل درآمدهای کسب و کار دولتی سرمایهداری حسیری است هر چنی ار از ریس اما نمی حاصل از استعمار کارگران با ماندهایی از محمول ما را در دستشان و سرمایه و ران بیسی تولید کنندگان مستقل و رحمتکسان غیر پرولتاریا که از راههای مختلف در اجسار این دولتها قرار گرفته و بوده است دولت را اسکیل میدهد. کارستیا مولد از این است و مسا بودجه های کلان دولتهای سرمایهداری نیز چیزی جز حاصل کارگران است اما لای کتور است. دولتهای سرمایهداری این در آمد غارتگرانه را مصرف میکنند! نحوه مصرف بودجه توسط دولت ارسافح طبقه ای که دولتهست بنا بنده است خدائی تا بدیگر است. در جامعه سرمایهداری بودجه دولت در خدمت حفظ تسلط طبقه سرما به دار ، تا مین اجراها و و نا ثل این سلطه و غش است. سیاست استعمارگرانه سرما به دار است. بودجه دولت را بنده استنما بد دولت نیز چیزی جز ماسین سرکوب طبقاتی نیست. در کشور های سرما به داری وابسته به امپریالیسم بودجه دولتها در عین حال به ابزاری برای حفظ این وابستگی سرمدل میگردد. بفسه در صفحه ۱۱

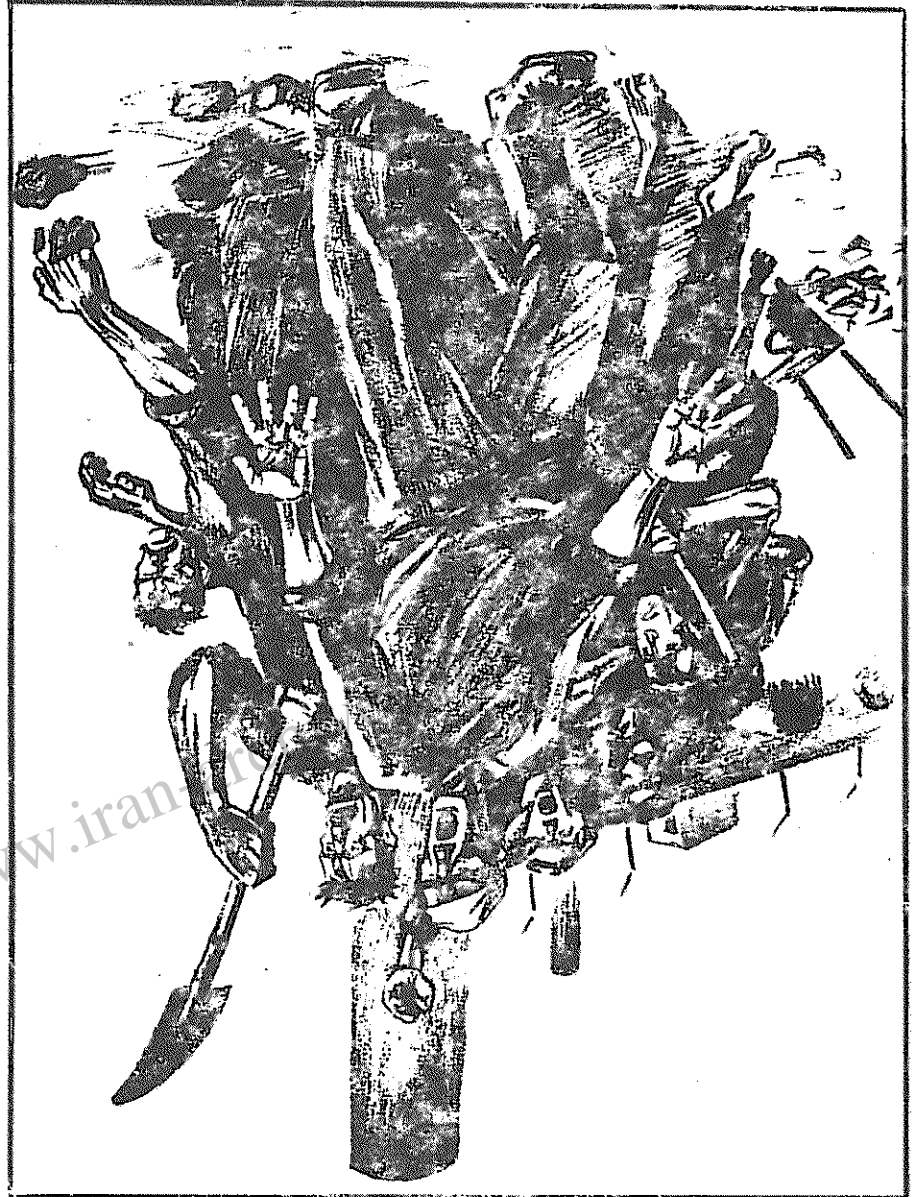
## مرگ بر امپریالیسم آمریکا ، دشمن اصلی خلقهای ایران

# یکی جا تیار کی ہوئی خوراک خوراک

یہ ایک ایسی ہیروکے بارے میں ہے جو ایک خاص قسم کے کام کے لیے تیار کی گئی ہے۔ یہ ایک ایسی ہیرو ہے جو ایک خاص قسم کے کام کے لیے تیار کی گئی ہے۔ یہ ایک ایسی ہیرو ہے جو ایک خاص قسم کے کام کے لیے تیار کی گئی ہے۔

یہ ایک ایسی ہیرو ہے جو ایک خاص قسم کے کام کے لیے تیار کی گئی ہے۔

یہ ایک ایسی ہیرو ہے جو ایک خاص قسم کے کام کے لیے تیار کی گئی ہے۔



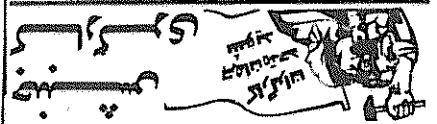
یہ ایک ایسی ہیرو ہے جو ایک خاص قسم کے کام کے لیے تیار کی گئی ہے۔ یہ ایک ایسی ہیرو ہے جو ایک خاص قسم کے کام کے لیے تیار کی گئی ہے۔ یہ ایک ایسی ہیرو ہے جو ایک خاص قسم کے کام کے لیے تیار کی گئی ہے۔

یہ ایک ایسی ہیرو ہے جو ایک خاص قسم کے کام کے لیے تیار کی گئی ہے۔ یہ ایک ایسی ہیرو ہے جو ایک خاص قسم کے کام کے لیے تیار کی گئی ہے۔ یہ ایک ایسی ہیرو ہے جو ایک خاص قسم کے کام کے لیے تیار کی گئی ہے۔

یہ ایک ایسی ہیرو ہے جو ایک خاص قسم کے کام کے لیے تیار کی گئی ہے۔

یہ ایک ایسی ہیرو ہے جو ایک خاص قسم کے کام کے لیے تیار کی گئی ہے۔

یہ ایک ایسی ہیرو ہے جو ایک خاص قسم کے کام کے لیے تیار کی گئی ہے۔



یہ ایک ایسی ہیرو ہے جو ایک خاص قسم کے کام کے لیے تیار کی گئی ہے۔

یہ ایک ایسی ہیرو ہے جو ایک خاص قسم کے کام کے لیے تیار کی گئی ہے۔

# جنبش کارگری



## اخراج مدیرعامل ضد کارگر، جلوه‌ای از قدرت و همنهنگی کارگران سایپا

### مبارزه پرشکوه کارگران اخراجی مجتمع فولاد و خیانت رویزونیست‌ها!

کارگران متحد و مشکل کارخانه سایپا در روز ۶۰/۳/۶ طی یک حرکت مبارزاتی "کاتوریان" مدیرعامل ضد کارگران یا کنک از کارخان برون اداخته و با خریدن شیرینی و بستنی ایس پیروزی کوچک را جشن میگیرند. حوزه‌های سازمان سازمان پیکار... در نشریه یک اتومبیل سازمان این چنین به نفعی ما هیت ضد کارگری ایس پیروزی میبرد:

"... کاتوریان تکستی کسی است که تا به حال تعدادی از کارگران مبارز کارخانه و اخیراً ۵ نفر از کارگران ۵ درصدی را اخراج کرده است. او کسی است که هفته گذشته مرخصی بدون حقوق کارگران را لغو کرده و اعلام نمود که اگر کسی بیش از ۳ روز به سرکار نیاید اخراج می‌شود. او کسی است که ۲۷ نفر را اخراج کرده و بقیه خود را عداوتی در نیامده. او کسی است که میگفت کارگران با بدسربسته‌شان کارت بزنند تا منحص شوند و بتوانند با یک قسمت به قسمت دیگر کارخانه بروند و حتی برای رفتن به دستتوئی، کارگران میبایست کارت بشیرند... کارگریان این یک وفادار سرمایه‌داران، بی‌حرمانه دیگری از کارگران که علت اخراج خود را میبرید، میگوید: "اوه! فدای تو خوشبختی آید!"

کاتوریان مزدور که عامل رژیم جمهوری اسلامی در کارخانه است، اعلام کرده بود که با یک سلسله مراتب برای تحویل تولید را بگردد. یعنی کارگر باید کار خود را به سرکار تحویل داده و سرکار را بر سرپرست و سرپرست به مدیریت و... تا از این طریق بهره‌کشی از کارگران و میزان تولید را افزایش دهد. کارگران در طی این حرکت شعارها می‌زنند: "اتحاد، اتحاد، اتحاد"، "کارگری بی‌روست، سازمان‌یافته است" و... و امده‌اند. کارگران موفق می‌شوند بعد از اخراج این مزدور با قدرت همبستگی و اتحاد خود، کارگران اخراجی ۵ درصدی را به سرکار بازگردانند. رژیم جمهوری اسلامی که از این حرکت انقلابی کارگران بدوخت افسانه بود در تاریخ ۶۰/۳/۱۲ ۳۴۰ نفر از کارگران کارخانه را که کارخانه را با حکم بنامیده دادستانی انقلاب در زندان اوین، به مجرد بیاید شدن از سرپرست کارخانه دستگیر کرده و به زندان اوین میبرد. کارگران مبارز سایپا! شاکه حتی بدون داشتن یک شورای واقعی توانستند مشکل شده و مدیرعامل ضد خلفی را از کارخانه اخراج نمایند برای کسب حقوق بیشتر و سرریخته‌اند به تشکیل شورای واقعی، موده و برای آزادی رفقای زندان مبارز می‌کوشند.

اهازی بودند جلوی مجتمع اجتماع کرده و بسا برپائی راهپیمائی و سپس اجتماع در مقابل دفتر مرکزی خشم انقلابی خود را از این حرکت ضد انقلابی نشان دادند.

این بار دیگر سوبیت رویزونیست‌های خاشن شونده‌ای و اکثریتی بود که در نقش به اصطلاح نماینده کارگران بدفاع از رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی وارد میدان شوند. این مزدوران هنگام تعطیل کارخانه دوباره سعی کردند حرکت اعتراضی کارگران را در مجراهای "فانونی" و "منطقی" ادا کنند و در اولین قدم به غرضی استاندار حلاخوریست که بخش عمده‌ای در سرکوب کارگران مجتمع فولاد اوزان را جمع می‌کنند که غرضی در جواب آنان می‌گوید که به کارگران بگویند اگر حقوق کامل میخواهند به کارخانه بروند و زیر و خم‌شدن دستمزد، ایندیرند. رویزونیست‌های خاشن "فانونی" شده و برای ادا مژده‌کرات به همراه چند نفر دیگر برای تهران میروند. در مورد تعطیل کل مجتمع نیز این خاشن‌توده‌ای و اکثریتی بودند که از طرح "انجمن اسلامی" به بقیه در صفحه ۴

در پی اعلام تعطیل شدن کارخانه دوباره از مجتمع ۱۰/۵۰۰ نفری فولاد اوزان، ویرداخت فقط ۲۰۰۰ تا ۳۵۰۰ تومان به کارگران درصدمت تعطیلی، کارگران سایر قسمتهای مجتمع فولاد (عمدتاً کارگران بیمانی) که میباید نشتند توسط رژیم در مورد تعطیلی کارخانه دوباره، برودی در مورد آنان بر عملی خواهد شد، با تشکیل مجامع عمومی در سطح کارخانه‌ها جهت جلوگیری از اخراج و کم کردن حقوق کارگران، اقدام به انتخاب نمایندگان و تشکیل شوراهای قسمت‌های مختلف حده کارگران مبتنی بر سراسری می‌شوند توسط تعطیلی در تمام مجتمع می‌شود. رژیم در تاریخ جمعه ۶۰/۳/۱ اعلامیه‌ای از اادیو اوزان ریخته کرده و اعلام می‌نماید که روز شنبه برای بردن کارگران به کارخانه نیتاً به رژیم که هنگام تعطیل کارخانه دوباره، با حرکت اعتراضی کارگران و جنب و جوش آنان برای تکمیل شورا و برپا شده بود، این سازمانخواست با اعلام از اادیو از تشکیل کارگران جلوگیری کند. اما روز شنبه نزدیک به ۴ هزار تن از کارگران که در

### تشدید فشار رژیم از طریق افزایش ساعات کار و مقاومت کارگران

همچنان به رژیم واقع گردیده است. محدودیت ساعات کارورساندن آن به ۴۰ ساعت در هفته میباید. نمونه‌های زیر نشانگر کوشش‌های از نوطه‌های رژیم و مقاومت کارگران (هرچند خودبخودی و بی‌راکنده) در مقابل آنست:

۱- کارخانجات کفش ملی: رژیم بعد از سرکوب و خشونت مبارزه کارگران بر سر بود و بیه در اسفندماه گذشته و اخراج عده‌ای از کارگران مبارز و بیهوده کردن مقررات انضباطی آریامهری در مجتمع، در تاریخ چهارشنبه ۶۰/۳/۳۰ اعلام شد در صفحه ۴

شد بحران اقتصادی-اجتماعی داخلی سپس سرمایه‌داری وابسته ایران و جنگری مبارزات کارگران و توده‌ها، رژیم جمهوری اسلامی را برانداخته که با حمله دستاوردهای مبارزاتی کارگران، بخش عمده‌ای بحران را بدوش آنان منتقل کرده و با عدم تمکن با برهم زدن تنگنای واقعی کارگران و ایجاد تفرقه و دوستگی ما بین آنان و دستگیری و اخراج عناصر مبارز جنبش کارگری، از مبارزه کارگران بر علیه این حملات جلوگیری یکی از دستاوردها شیکه کارگران با جنگ و دندان آریا بدست آورده اند و اینک موردی در

## پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر



# خلق ها و مسئله ملی



**پیشمرگان انقلابی،  
حملات نیروهای رژیم به  
روستاهای کامیاران را  
باشکست مواجه کردند**

۶۰/۲/۲۳ : در ساعت ۱۲ شب تعداد کثیری از رشتی و پاسداران از طریق کوههای آوالا ن به طرف روستای "کوله ساره" و "سرجی" حرکت کردند. آنها بعد از اشغال روستای "کوله ساره"، در تاریخ ۶۰/۲/۲۴ با تصرف تپه‌های بین سرجی و کوله ساره با تجهیزات نظامی وسیع بطرف روستای سرجی حرکت کردند. ساعت ۷ صبح مزدوران رژیم روستای سرجی را برگیرا بسته و پس از ورود به روستا، اهالی آنرا مورد آزار قرار داده و به تفتیش خانه‌های آنها پرداختند. مزدوران همچنین منزل شخصی بنا حاج شکرالله را به آتش کشیدند که در اثر آن کلیه دارائی او نابود میشود. ساعت ۷/۵ صبح هما نیرو پاسداران و جا شها، در حالیکه یک مینی بوس پرازاها را سیر قرار داده بودند بطرف روستای "طا" حرکت کردند. پیشمرگان کومله و پیکار وعده‌های از روستا ثیان مسلح با اطلاع از این اقدامات در تپه‌های روبروی "طا" موضع میگیرند. پاسداران و جا شها در حالیکه روستای مذکور را خمپاره باران میکردند با مقاومت پیشمرگان روبرو میشوند. در این درگیری عده‌ای از پیشمرگان دمکرات نیز شرکت داشتند. بعد از ۳ ساعت نبرد قهرمانانه پیشمرگان، مزدوران رژیم وارد روستا شده و چند قطعه فرش مسجد را غارت کردند. نیروهای دشمن در این جریان تعدادی کشته و زخمی بر جای گذاشتند اما به پیشمرگان صدمه وارد نیامد لیکن سه خانه در اثر گلوله‌های خمپاره آسیب دید. نیروهای فدا انقلابی بعد از نیم ساعت توقف در روستا شروع به عقب نشینی کردند. آنها در اثر تعقیب پیشمرگان براسیمه بطرف کوله ساره فراگردند و در این حال در ساعت ۱۲ ظهر در دره بین سرجی و کوله ساره ناگهان به کمین عده‌ای دیگر از پیشمرگان کومله (بهل شهید فایق و پهل شهید یوسف) افتادند و مورد حملات بی‌امان آنها قرار گرفتند. در این نبرد که تا ساعت ۱/۵ بعد از ظهر ادامه داشت نیروهای دشمن با تحمل خسارات سنگین و کشته و زخمی شدن تعدادی از آنان بغیرا دست زدن بدین ترتیب حمله گسترده ارتش و پاسداران و جا شها به روستاهای "سرجی" و "طا" باشکست روبرو شد. در مورد این درگیریها لازم به توضیح است که روحیه اهالی هر سه روستای نامبرده عالی بوده و بانهایت فداکاری پیشمرگان را لحاظ رساندن آذوقه یاری میدادند. شرکت زنان زحمتکش روستائی در این جریان بسیار چشمگیر بود (نقل و تلخیص از خبرنامه ۱۲۵ کومله)

## سازمان چریکهای فدایی خلق؛ تزلزل در برابر ضد انقلاب در کردستان! درباره موضع‌گیری فدائیان در قبال حملات اخیر حزب دمکرات به کومله

پس و تدوین توافقنامه ۴ ماده‌ای بین طرفین بدرستی برای نکته‌ذعان داشت که: "سازمان ماضن استقبال و تأیید توافقنامه فوق با تمام توان خویش در جهت اجرای مواد آن با نیروهای جنبش مقاومت همکاری و مساعدت خواهد نمود و از مردم آگاه و مبارز کرد و نیروهای سیاسی مسئول در منطقه میخاو همبها نظر کارگر و مل و تو ما با حسن نیت خویش در اجرای مواد توافقنامه بکوشند..." (کا ۱۰۹)

بدون شک هر نیرویی که در قبال تائید این توافقنامه خلق کرد و تداوم و تعمیق جنبش مقاومت بر علیه رژیم کام و به اقتضای حفظ مصالح جنبش دمکراتیک و فدا میریالیستی خلقهای سراسر ایران و بخصوص جنبش مقاومت احسان مسئولیت میکند، نمیتواند از آتش بس و اتمام درگیری و توافق مسالمت آمیز خوشحال نباشد. ما نیز به سهم خود از این توافق استقبال نموده و بجز اجتناب از گسترش درگیری تا کید کردیم، ما آنچه در این میان حائز اهمیت است شناساندن ماهیت آن نیرویی است که این درگیری را در ادامه سیاستهای خود تحمیل کرده و آنرا به مرحله‌ای فراتر از یک درگیری کوچک و به تبدیل کردستان به عرصه جنگ داخلی کشانده است. سازمان چریکهای فدائی توضیح نمیدهد که چرا این درگیری بوقوع پیوسته و اساسا چه منافع طبقاتی برون چنین درگیریها را از جانب حزب دمکرات ایجاد میکند. اینکه طرفین درگیری، حزب دمکرات و کومله هستند و روشن است، اما باید دید که این نیرو مورد تعرض قرار گرفته است. سازمان چریکهای فدائی سیاست ظاهرا "بیطرفی" بخود گرفته و بصورت ناظری که بقیه در صفحه ۶

درگیریهای اخیر حزب دمکرات با کومله نتیجه منطقی تداوم سیاستی است که حزب دمکرات در برخورد به مسائل جنبش مقاومت اتخاذ کرده است و این سیاست بیان فشرده‌ای از منافع طبقه ایست که حزب نمایندگی آنرا میکند. بنا بر این هرگونه بررسی و اعلام موضع در مقابل وقایع اخیر در کردستان، نمیتواند جدا از تحلیل مجموعه سیاستهای که منجر به جنگ و درگیری شده صورت گیرد. هر ناظر "بیطرفی" بروقایع اخیر اطراف مها با دوسر دست نمیتواند در مقابل دلایل و شواهد ناکارنا پذیر موجود در جهت شناخت و معرفی مسبب اصلی جنگ مهرسکوت بر لب زده و آتش افروزی واقعی را از پیش چشم نموده خلق کرد و درنگهدار دوازده اعلام صریح موضع خود در قبال آن ظفره رود. خلق ستمدیده کرد و بدینال این درگیریها انتظار داشت که تمام نیروهای کمونیست و انقلابی و مترقی با اعلام صریح موضع خود در قبال این وقایع و توضیح ریشه‌ها و علل اصلی و افشای مسببین آن و با عقابله با توطئه‌های جنگ افروزان حزب دمکرات، از گسترش دامنه این درگیریها جلوگیری نماید. اما متاسفانه برخی از نیروها تنهائی در این جهت بر نداشتند، بلکه با سکوت و یا با ظفره رفتن از بیان علل و انگیزه‌های اصلی ایجاد این درگیریها از طرف حزب دمکرات، تا بحال توده‌ها را از واقعیت آنچه که در کردستان بوقوع پیوسته بی‌خبر نگه داشته‌اند. وجه مشخصه تبلیغ چنین سیاستی در موضع سازمان چریکهای فدائی خلق بطور آشکار به چشم می‌خورد.

سازمان چریکهای فدائی خلق بیس از درگیریهای اطراف مها یاد، باشکست در مذاکرات بین حزب دمکرات و کومله جهت آتش -

**حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست**





# اخبار مبارزات توده‌ها



## سرکوب زحمتکشان سیاهدشتک دردورژیم

در تاریخ ۲۹ اردیبهشت، صدها نفر از اهالی سیاهدشتک بعنوان اعتراض به لایحه ضد مردمی که در مجلس به تصویب رسیده بود در مقابل مجلس اجتماع کردند. جریان از این قرار بود که اهالی این منطقه در زمان رژیم پهلوی زمین‌ها را در منطقه کاخ نه‌سیمان داشتند که بزرگوار آنها گرفته شده بود و بدنبال مبارزاتی که این زحمتکشان در طی اینصدها داشته‌اند، تصویب شورای انقلاب، زمینی در سیاهدشتک به آنها داده می‌شود. در طی اینصدها برخی از این عده تورا نسته بودند در این زمینها خانه‌ها بنا زدند تا اینکه اخیرا لایحه‌ای تصویب می‌شود که بموجب آن رژیم می‌خواهد زمینهای سیاهدشتک را نیز از اهالی گرفته و زمین دیگری را که هنوز معلوم نیست در کجا است به آنها بدهد.

زحمتکشان این منطقه نیز که از اینصدها فشارهای رژیم به تنگ آمده بودند اکنون به اجتماع در مقابل مجلس پرداخته بودند. ابتدا حتی کرمانی شما بنده مجلس برای آنها صحبت می‌کنند ولی جواب او این بود که لایحه تصویب شده و کاری نمی‌شود کرد! مردم که اینچنین ماهیت به اصطلاح "شما پندگانشان" را میبینند از شدت خشم دست برآوردند و قصد ورود به داخل مجلس را میکنند. با ساداران نیز به دفاع از نمایندگان ضد مردمی مجلس، تیراندازی هوایی و ضرب و شتم زحمتکشان می‌پردازند. سیاهدشتک منطقه ۹ نیز برای سرکوب زحمتکشان یکم ساداران می‌آیند

بقیه در صفحه ۲۹

## خانه‌گردی رژیم در بندر عباس، یادآور خانه‌گردیهای رژیم پهلوی

حکومت نظامی - را که بنده بند آن‌ها هستند اطلاعیه‌های حکومت نظامی از هارای او ویسی می‌باشد، بخش می‌کند. در اطلاعیه آمده است: هیچکس حق تخلیه و خانه‌تکانی را ندارد (!؟)، خانه‌های اجاره‌ای که در اختیار خاص فرد - انقلابی (بخوانید کمونیستها و انقلابیون) هستند، با یستی توسط ما حیفا نه معرفی گردند (!؟) و ۲۰۰۰ آری رژیم هدف اساسی اش سرکوب کمونیستها و انقلابیون که در ژانویه مناقع کارگران و زحمتکشان مبارزه میکنند، میباشد. . . . . کارگران و زحمتکشان! به مقابل بدبر علیه مقررات حکومت نظامی، خانه‌گردی و دستگیری - های رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی برخیزیم. . . . . اجازه ندهیم که رژیم به خانه‌گردی بپردازد، مانع دستگیریها شویم و به مبارزه برای آزادی دستگیرشدگان و زندانیان سیاسی انقلابی برخیزیم. . . . . بالاندکی تخییر بنقل از: اعلامیه هواداران سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر - بندر عباس ۶۰/۳/۶

با ردیگر رژیم جنایت پیشه جمهوری اسلامی عما ندر رژیم شما دشمن کمونیستها و انقلابیون را مورد بیگرد و تعقیب قرار داده و اینبار بی - شرمانه به بیانه ترور و سرور و سرور و تعقیب تروریستها، به خانه‌گردی پرداخته و بدبو جانیه کمونیستها و انقلابیون، این فرزندان راستین و مدافع کارگران و زحمتکشان را دستگیر میکند. اخبار رسیده تا کنون (ظهر چهارشنبه ۶۰/۳/۶) حاکی است که چندین خانه مورد یورش ساداران جهل و سرمایه‌وتیروهای انتظامی این نظم ارتجاعی، قرا ر گرفته و در هر خانه زن، دختر، پسر پسر . . . و خلامه هر که را توانستند دستگیر کرده و چمپا و دستپا بیان را بسته و به زندان "شسو" که قسمتی از آن، از روز قبل (۶۰/۲/۵) تخلیه و آماده شده بود، میبرند و این نشان میدهد که رژیم از قبل تدارک دستگیریهای وسیعی را دیده است. خانه‌گردی و دستگیری همچنان ادامه دارد و آدیوار ارتجاعی بندر عباس هر ساعت اطلاعیه سیاهدشتک ساداران - در واقع اعلامیه

## اشغال کاخ توسط مزدوران رژیم

مبنی بر مجازات عاملین گشتارهای میفرشند رژیم که سیاهستانان شیرینی اش موثروا قمع نمی‌شود، این بار طبق سیاست "جماعتش"، هنگام جاری شدن سیل در منطقه، به بیانه کمک به تعمیر تاسوات در ۶۰/۲/۲۶، دو مبنی بوس از او با نشان حزب اللهی را از تربیت حیدریه و فردوس، زیر پوشش جها دسا زندگی به منطقه میفرستد. او با نشان از لحظه ورود با فحاشی و تهدید، شروع به پاک کردن شعارهای انقلابی و نوشتن شعارهای ضد انقلابی خود می‌نمایند و سپس چندین جاد در نقاط مختلف شهر برپا میکنند که با اعتراض مردم روبرو میشوند. با ساداران و او با نشان رژیم در صبح ۶۰/۲/۲۷، شهر را به اشغال خود در آورده و در نقاط مختلف شهر مستقر میشوند. او زهمان لحظه اشغال، به نیروهای انقلابی که به کمک سیل زدگان آمده بودند، حمله کرده و همزمان با آن، به خانه‌ها یورش برده، به دستگیری و ضرب و

سال پیش هنگامیکه رژیم جمهوری اسلامی در منطقه کاخ بنگامه فجر چندجاه عمیق سیاه مقاومت دهقانانی که فاشیایان در نتیجه این اقدام رژیم خشک میشد و روبرو شده با ساداران و ژاندارمری محل دهقانان کاخ را برگردانده است و هنوز شاهد و دهقانان را زخمی نمودند. پس از آن اهالی زحمتکش منطقه، دفاعیانه با ساداران، بسیج محل و جها دسا زندگی را تعطیل کرده و شرط تاسیس این مراکز را مجازات عاملین و مسین حسابت ۱۴ بهمن قرار میدهند. از آن پس در پی نامه‌های متعدده اهالی منطقه به ارگانهای رژیم جهت رسیدگی به مسئله افراد متعددی از حزبی و لیبرال حتی بنی مبر برای به سازش کشاندن مبارزات زحمتکشان به این منطقه میروند، اما حیل هیچکدام از این حامیان سرمایه‌داران و زمینداران موثر نیفتاده و اهالی کاخ همچنان برخاسته خود

شما اهالی میپردازند. هم اکنون دهقانان از اهالی زحمتکش در سارت این مزدوران هستند. کارگران و زحمتکشان! رژیم جمهوری اسلامی این بار هم دشمنی و کینه‌توزی خود را نسبت به زحمتکشان و نیروهای انقلابی به نمایش گذاشت. با افشای توطئه‌ها و جنایات رژیم ارتجاعی، زده‌ها نشان و زحمتکشان منطقه کاخ پشتیبانی کنیم. دستگیرشدگان منطقه کاخ که به همت توده‌ها آزاد با بدگردند! زنده با دبیکار توده‌ها بر علیه رژیم جمهوری اسلامی! مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع داخلی! بر فراز بنا د جمهوری دمکراتیک خلق! با استفاده از اعلامیه‌ها ساداران سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر ۶۰/۲/۲۸

## به استقبال جنبش او جگیرند توده‌ها بشتابیم





# درباره حزب طبقه کارگر (۱)

## توضیح:

سازمان ما در کنار سایر وظایف ترویجی خویش، انتشار جزوات و کتب آموزشی سه زبان ساده را در دستور کار قرار داده است و در همین رابطه مقالات آموزشی را در نشریه بیگار منتشر می سازد.

از آنجا که به سبب ضعف عمومی جنبش کمونیستی حتی رفقای ما هم در جنبش کمونیستی نیا ز مندا آموزش همه جا نبوده تر سوسا لبیسم از طریق ارگانهای کمونیستی میباشند ما سعی میکنیم که بویژه در سری مقالات آموزشی بیگار رتغیقی از نیازهای این رفقا و توده های طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان را بوجود آوریم.

مقاله کوتاه "درباره حزب طبقه کارگر" که تلاشی است برای بیان ساده ضرورت حزب طبقه کارگر در همین رابطه در نشریه درج شده است، از آنجا که آموزش این ضرورت برای طبقه کارگر ایسرا ن اهمیت اساسی دارد، از همه رفقای ما وادار می خواهم که اینگونه مقالات، جزوات و کتب را بشکل فعال در میان کارگران برده و بر مبنای آن صبورانه آنسان را آموزش دهند.

انتشار اینگونه مقالات و کتب تنها گام نخست است بی شک ما دیت بخشیدن و عملی ساختن ترویج آنها منوط به برخورد فعال و بیگیرانه رفقا خواهد بود.

برای آنکه در با سخگوشی جنبش ضرورتی بشوا نیم هر چه بیشتر موفق گردیم از همه رفقا می خواهم که نظرات انتقادات و پیشنهادات خویش را فعلا لانه با در میان گذارند.

پیروز باشید.

## ۱- ضرورت ایجاد حزب

### از کجانشی میشود؟

از آن زمان که سرمایه داری بوجود آمد، مبارزه بین کارگر و سرمایه دار ریشخا آغاز شد. سرمایه داری می بایست رشد کند و این رشد به قیمت رنج و استثماری میسر میشد که سنگینی بار آن اساسا بدوش کارگران و زحمتکشان بود. نظام سرمایه داری از خون و عرق کارگران و زحمتکشان تغذیه میکرد و روز بروز پرور و رتر میشد به همین دلیل کارگران و سرمایه داران همواره رودر روی هم قرار میگرفتند.

مبارزات کارگران در ابتدا، بیعت نا آگاهی و کم تجربگی آنها غالباً بصورت فردی و پراکنده و در سطح بسیار پستی جریان داشت. کارگران در آن موقع با شکستن و نابود کردن ابزار و ادوات تولید، خشم و نفرت خود را بر علیه وضع موجود نشان میدادند و با مطلق از سرمایه داران انتقام میگرفتند. ولی همانطور که لنین می گوید این بیشتر جنبه ابراز احساسات و انتقامدانه است تا مبارزه، کارگران چون گمان میکردند که این ابراز احساسات می نشانند، لذا ابرازها و ما شینها را میشکستند و خرد میکردند. البته این شکل مقاومت در مقابل سرمایه داران ملائمتنا درست بود و نمیتوانست سودی بحال کارگران داشته باشد. خود کارگران هم در قدمهای بعدی مبارزه خود، به این مسئله پی بردند که ما شینها و ابزار تولیدگناهی ندارند، بلکه این نظام غارتگر سرمایه داری است که این ابزارها را در خدمت جیا ول و مکیدن شیر جان کارگران بکار میگیرد. با رشد بیشتر سرمایه داری و در نتیجه رشد روز افزون تعداد کارگران، مبارزه بین این دو طبقه اصلی جامعه سرمایه داری گسترده تر شده و اوج بیشتری میگیرد. در کشاکش این مبارزات و در پی شکستها و پیروزیها است که کارگران تجربه بیشتری اندوخته و آگاهتر میشوند. تا قدمهای بعدی خود را محکم تر بردارند.

با رها و ابزارها اتفاق می افتد که کارگران در مبارزات اقتصادی خود پیروز میشوند. مثلاً بر کارفرما فشار میا و رند و او را در مینما بیند که باندگی به دستمزدها بیا ناضافه کند. اما هنوز این با مطلق ااضافه دستمزدها در یافت نکرده از آنطرف با بالا رفتن قیمتها مواجه میشوند. در اینصورت ناچار میشوند مایحتاج زندگی خود را با پول بیشتری تهیه نمایند. بدین ترتیب عملاً آن ااضافه دستمزدها خنثی و بی اثر میشود. ااضافه دستمزدها نیز بیک نیا مده، از کف میروند. با زهم روز از نو روزی از نو!

هر کارگر آگاهی میتواند در همسالان در همین زمینهها (از قبیل ااضافه دستمزدها) حق ممکن (....) را هدسبا و رد که سرمایه داران در شرایط خاصی که تحت فشار مبارزه کارگران بوده اند، امتیازاتی را داده اند. ولی سپس با انواع حقه با زیها و دوز و کلکها با ردیگر همگان جای اول با زکشته اند. تا زه فرض میکنیم که همیشه هم مینظورنما شد و کارگران بتوانند امتیازات متعددی را هم از حلقوم کارفرما بیرون بکشند و

این امتیازات را همسگی نمایند، آیا وضع تغییر میکند؟

بله البته تغییر میکند، چرا که کارگران در اینصورت میتوانند قدری، فقط قدری بهتر از قبل زندگی کنند. یعنی میتوانند نیروی کار خود را در شرایط مناسبتری در اختیار سرمایه داران قرار دهند. ولی با اینهمه یک چیز که مهم ترین هم هست، با اینگونه امتیازات و نسه فقط با اینگونه امتیازات، بلکه با هرگونه امتیازی نیز تغییر نمیکنند. و آن این است که کارگران ما سنده گذشته تا چاراند نیروی کار خود را به سرمایه داران بفروشد و استثماری شود و در معرض فقر و فلاکت و بیگاری و... باقی بمانند. بعبارت دیگر در جامعه سرمایه داری در هر شرایطی که باشد، بردگی اسارت با طبقه کارگر بیچ وجه از بین نمیرود. چرا چنین است؟

برای اینکه مبارزه اقتصادی طبقه کارگر اگر چه در بهبود شرایط کار روزگاری او موثر است ولی بیچوجه قادر نیست نظام غارتگر سرمایه

داری را از بین ببرد. مبارزات اقتصادی طبقه کارگر اگر چه بنوع خود اهمیت فراوانی هم دارد لیکن نمیتواند آسیبی به اساس آن نظام، که طبقه کارگر را زیر ستم و استثماری میکند، وارد آورد. دوا ی درد را با بیدرد جای دیگری جستجو نمود. با بیدیدجه چیزی است که نظام غارتگر سرمایه داری را سر با نگهداشته است. با بیدید سرجمه اسارت و بندگی زحمتکشان در کجا نهفته است. اصولاً چرا با بدمیلیونها نفر کارکنند و گرسنگی بکشند، ولی در عوض عده معدودی کار نکنند و در عین حال از برخوردی بترکنند؟ بنا بر این با بیدید که این رابطه را برای بر و ظالمانه، چگونه است و به چه وسیله حفظ میشود. اساس نظام سرمایه داری بر مالکیت خصوصی ابزار اصلی تولید استوار است. بدین معنی که عده قلیلی سرمایه داران در دست داشتن کلیه این ابزار اصلی (زمین، معدن، کارخانه ها و...) ما حب همه چیزند و بر عکس در مقابل آن، توده کثیری هیچ چیز از آن خود ندارند و از اینرو ناچارند برای اینکه زنده بمانند نیروی کار خود را به ما حبان آن ابزار بفروشند. این توده های زحمتکش با اینکه جامعه کارگران انسان زندگی میکند، خودشان ناچارند در سخت ترین شرایط کارکنند و در بدترین وضعی با مصطلاح روزگار بگذرانند.

روشن است که این رابطه را برای بر ا همین طوری نمیتوان حفظ نمود. چون هر لحظه در خطر آن است که توده های کارگران زحمتکش و تحت ستم، با ظروف اسارتباران بر علیه آن اقلیت محدود سرشورش بگذارند. بنا بر این چگونه سرمایه داران میتوانند توده های وسیع کارگران را تحت استثماری و تسلط خود نگه دارند؟

# زنده باد سوسیالیسم

1. ...  
 2. ...  
 3. ...  
 4. ...  
 5. ...  
 6. ...  
 7. ...  
 8. ...  
 9. ...  
 10. ...  
 11. ...  
 12. ...  
 13. ...  
 14. ...  
 15. ...  
 16. ...  
 17. ...  
 18. ...  
 19. ...  
 20. ...  
 21. ...  
 22. ...  
 23. ...  
 24. ...  
 25. ...  
 26. ...  
 27. ...  
 28. ...  
 29. ...  
 30. ...  
 31. ...  
 32. ...  
 33. ...  
 34. ...  
 35. ...  
 36. ...  
 37. ...  
 38. ...  
 39. ...  
 40. ...  
 41. ...  
 42. ...  
 43. ...  
 44. ...  
 45. ...  
 46. ...  
 47. ...  
 48. ...  
 49. ...  
 50. ...  
 51. ...  
 52. ...  
 53. ...  
 54. ...  
 55. ...  
 56. ...  
 57. ...  
 58. ...  
 59. ...  
 60. ...  
 61. ...  
 62. ...  
 63. ...  
 64. ...  
 65. ...  
 66. ...  
 67. ...  
 68. ...  
 69. ...  
 70. ...  
 71. ...  
 72. ...  
 73. ...  
 74. ...  
 75. ...  
 76. ...  
 77. ...  
 78. ...  
 79. ...  
 80. ...  
 81. ...  
 82. ...  
 83. ...  
 84. ...  
 85. ...  
 86. ...  
 87. ...  
 88. ...  
 89. ...  
 90. ...  
 91. ...  
 92. ...  
 93. ...  
 94. ...  
 95. ...  
 96. ...  
 97. ...  
 98. ...  
 99. ...  
 100. ...

1. ...  
 2. ...  
 3. ...  
 4. ...  
 5. ...  
 6. ...  
 7. ...  
 8. ...  
 9. ...  
 10. ...  
 11. ...  
 12. ...  
 13. ...  
 14. ...  
 15. ...  
 16. ...  
 17. ...  
 18. ...  
 19. ...  
 20. ...  
 21. ...  
 22. ...  
 23. ...  
 24. ...  
 25. ...  
 26. ...  
 27. ...  
 28. ...  
 29. ...  
 30. ...  
 31. ...  
 32. ...  
 33. ...  
 34. ...  
 35. ...  
 36. ...  
 37. ...  
 38. ...  
 39. ...  
 40. ...  
 41. ...  
 42. ...  
 43. ...  
 44. ...  
 45. ...  
 46. ...  
 47. ...  
 48. ...  
 49. ...  
 50. ...  
 51. ...  
 52. ...  
 53. ...  
 54. ...  
 55. ...  
 56. ...  
 57. ...  
 58. ...  
 59. ...  
 60. ...  
 61. ...  
 62. ...  
 63. ...  
 64. ...  
 65. ...  
 66. ...  
 67. ...  
 68. ...  
 69. ...  
 70. ...  
 71. ...  
 72. ...  
 73. ...  
 74. ...  
 75. ...  
 76. ...  
 77. ...  
 78. ...  
 79. ...  
 80. ...  
 81. ...  
 82. ...  
 83. ...  
 84. ...  
 85. ...  
 86. ...  
 87. ...  
 88. ...  
 89. ...  
 90. ...  
 91. ...  
 92. ...  
 93. ...  
 94. ...  
 95. ...  
 96. ...  
 97. ...  
 98. ...  
 99. ...  
 100. ...

1. ...  
 2. ...  
 3. ...  
 4. ...  
 5. ...  
 6. ...  
 7. ...  
 8. ...  
 9. ...  
 10. ...  
 11. ...  
 12. ...  
 13. ...  
 14. ...  
 15. ...  
 16. ...  
 17. ...  
 18. ...  
 19. ...  
 20. ...  
 21. ...  
 22. ...  
 23. ...  
 24. ...  
 25. ...  
 26. ...  
 27. ...  
 28. ...  
 29. ...  
 30. ...  
 31. ...  
 32. ...  
 33. ...  
 34. ...  
 35. ...  
 36. ...  
 37. ...  
 38. ...  
 39. ...  
 40. ...  
 41. ...  
 42. ...  
 43. ...  
 44. ...  
 45. ...  
 46. ...  
 47. ...  
 48. ...  
 49. ...  
 50. ...  
 51. ...  
 52. ...  
 53. ...  
 54. ...  
 55. ...  
 56. ...  
 57. ...  
 58. ...  
 59. ...  
 60. ...  
 61. ...  
 62. ...  
 63. ...  
 64. ...  
 65. ...  
 66. ...  
 67. ...  
 68. ...  
 69. ...  
 70. ...  
 71. ...  
 72. ...  
 73. ...  
 74. ...  
 75. ...  
 76. ...  
 77. ...  
 78. ...  
 79. ...  
 80. ...  
 81. ...  
 82. ...  
 83. ...  
 84. ...  
 85. ...  
 86. ...  
 87. ...  
 88. ...  
 89. ...  
 90. ...  
 91. ...  
 92. ...  
 93. ...  
 94. ...  
 95. ...  
 96. ...  
 97. ...  
 98. ...  
 99. ...  
 100. ...

بقیه از صفحه ۱

# بودجه ۱۳۶۰: بودجه ورشکستگی و وابستگی

مادر تحلیل بودجه سال ۱۳۶۰ رژیم جمهوری اسلامی ابتدا جدول کل درآمدها و هزینه‌ها را ذکر کرده و سپس ضمن بررسی فصل‌های عداکانه درآمدها و هزینه‌ها آن‌ها را که در بالا گفتم اثبات خواهد نمود.

مالیات مستقیمی که از خودکارگران و از دستمزد آنها وصول میشود، از دستمزد کم‌نموده و بیه این شکل کارمافی بیشتری برگردان آنها تحمیل میشود. دولت با گرفتن مالیات مستقیم از دهقانان و پیشه‌وران، بخشی از محصول تولید شده بوسیله آنان را نیز جذب میکند.

بدهد، نرخ سود سرمایه‌داران را که حتی می‌باید، اما وقتی با مالیات بسن برفلان کالای مورد نیاز در رشته‌ای از صنعت قیمت آن کالا زیاد میشود، سرمایه‌داران در آن رشته قیمت کالای تمام شده خود را تا حدی که با این افزایش قیمت را احسبان نماید افزایش میدهد. سبب ارت دیگرایی مالیات و ادره‌رینند تولید این کالا شده و آنرا گرانتر میکند، وقتی قیمت یک کالا افزایش یافت، در حالت عادی تقاضا برای آن کالا و در نتیجه تولید آن با نسی می‌باید، پس مالیاتهای غیرمستقیم در عین اینکه باعث تشدید تورم میشود، در شرایطی که این تورم را که در فعالیت‌های اقتصادی و بیکاری همراه است، آنرا افزایش داده و اثرات کندکننده و رکودآور در تولید با میگذارد، اما وقتی که تولید یک کالای معین آنقدر کم است که تقاضا برای آن بیشتر از عرضه می‌باشد و تولید و فروش آن انحصاری است و یا اینکه به چرخه انحصاری طبیعی یا مصنوعی در این مورد عمل می‌نماید، سبباً رفتن قیمت آن کالا، معمولاً باعث یا نسی آمدن تقاضا نشده و بنا بر این تولید آن کاهش می‌یابد، اما مسئله‌ای که در این میان مهم است، اینکه بار اصلی و فشار خریدکننده مالیات‌های غیرمستقیم هم‌بردوش کارگران و زحمتکشان است. افزایش قیمت کالاهای ضروری معیشت کارگران، خواه بعلت مالیات بستن به خود این کالاهای باشد و خواه از مالیات بستن بر کارآگاهی با نسی برای تولید و سبباً ثل معیشت آنها لازم است، دستمزد واقعی کارگران را کاهش داده و استمنا ر آنها را شدیدتر میکند. سبباً ارت دیگرایی قیمت و سبباً ثل معیشت کارگران باعث بالا رفتن قیمت نیروی کار می‌شود و بنا بر این دستمزد که چیزی جز قیمت نیروی کار نیست با ید بیشتر شود، اما میدا نیم که سرمایه‌داران بشت در مقابل افزایش دستمزد موفق می‌شوند که دستمزد را زیاد کنند، تمام فشار این افزایش قیمت کالاهای بردوشان باقی خواهد ماند، بدین ترتیب سرمایه‌داران با مقاومت در مقابل افزایش دستمزد و زنا دنگردن مزد کارگران، با مالیات‌های غیرمستقیم را هم‌بردوش کارگران

دریافت‌ها		پرداخت‌ها	
۱- درآمدهای عمومی	۵۴۴/۴	۱- از محل درآمدهای عمومی	۲/۰۵۲/۰
مالیات	۲/۴۱۱/۶	اعتبارات جاری	۱/۱۰۹/۳
نفت	۱۵۷/۳	اعتبارات سرمایه‌گذاری ثابت	۴۱/۰
سایر درآمدها	۲/۱۱۳/۲	بازپرداخت‌های وام‌های خارجی	۲/۲۰۲/۳
جمع	۱۲۹/۰	خرج	۲/۲۲۲/۲
۲- درآمدهای اختصاصی	۵۸/۰	سرمایه‌گذاری در خارج از کشور، پرداخت وام و کمک به کشورهای و موسسات خارجی	۱۰/۰
جمع درآمدها	۲/۲۲۲/۲	جمع	۳/۲۱۲/۳
۳- کسری درآمدها	۵۸/۰	۲- از محل درآمدهای اختصاصی	۲/۲۲۲/۲
نسبت به پرداخت‌ها	۵۸/۰	جمع کل	۳/۱۷۱/۲
۴- منسغ تا مین کسری: برگشتی از پرداخت‌های مالیات قبلی	۵۸/۰		
جمع کل	۲/۲۲۲/۲		

۱- مالیات‌ها: مالیات‌ها به دو دسته تقسیم میشوند: مالیات‌های مستقیم و مالیات‌های غیرمستقیم.

الف- مالیات‌های مستقیم: مالیات‌های مستقیم مالیاتی است که مستقیماً به عواید و درآمدها و یا ثروت بستن میشود.

یولی که از طرف سرمایه‌داران بجنسوان مالیات بدولت (با بعد از "وجه شرعی" مثلاً خمس، زکوة، ... به روحانسیون) پرداخت میشود بخشی از سود سرمایه‌دار است، اما خود این سود چیزی نیست مگر ارزش اضافی حاصل از استعمار کارگران و با حصول اضافی دهقانان و پیشه‌وران که تمام حب شده است، بنا بر این در واقع مالیات و "وجه شرعی" حاصل دسترنج کارگران، دهقانان و پیشه‌وران است. مالیاتی که در جامعه سرمایه‌داری دولت از مالکین ارضی وصول میکند نیز بخشی از ارزش اضافی ناشی از استعمار کارگران است، زیرا اجاره‌مالکین ارضی بخشی از ارزش اضافی است که بوسیله سرمایه‌دار به آنها پرداخت میشود و این ارزش اضافی نیز حاصل استعمار کارگران است.

روزمره و ضروری بسمی شوند از جمله به معنی بالا بردن قیمت و سبباً ثل ضروری معیشت کارگران نیز هست و بنا بر این قیمت نیروی کار را بالا میبرد، معنی این حرف این است که کارگران برای تأمین همان حداقل معیشت خود باید دستمزد بیشتری بگیرند زیرا در غیر این صورت یعنی با ثابت ماندن دستمزد و بالا رفتن قیمت کالاهای مورد احتیاج کارگران و خانوادها آنها، حجم کالاهای مورد مصرف آنها کاهش خواهد یافت. از طرف دیگر مالیات بر مصرف‌کنندگان در عین حال مالیات بر تولیدکنندگان نیز هست و بنا بر این، مالیات‌ها شکل دیگری از مالیات بستن به عواید است، وقتی مالیات‌های غیرمستقیم به مواد صنعتی که بوسیله سرمایه‌داران در تولید مصرف میشود، بسته شود، سرمایه‌دار برای خرید همان مقدار مواد مورد احتیاج در تولید با ید بشتی بپرداد، یعنی با بدبهم سرمایه‌داران باقی خرید و سبباً ثل تولید و مرد و صورت یعنی وقتی که سرمایه‌داران اجار خود با بشت دستمزد با خرید و سبباً ثل بون سببشتری

فنان، مسکن، آزادی



(قسمت چهارم)

## لایحه قصاص : نمودار ماهیت ارتجاعی رژیم

در بخش های قبلی و مستقل این بحث، مواد متعددی از لایحه قصاص را مثال زده ایم که نشان دهنده عمق ماهیت ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی است. در اینجا با افتخار کردن یک نکته بر آنچه در قسمت سوم آمدیه نکات جدید خواهم پرداخت و اینک آن نکته :

گفتمیم که این لایحه در کنار تبعیض های ضد انقلابی که بین انسانها قائل است، متسل تبعیض بر اساس فقر و ثروت و تبعیض بر اساس مردمان بودن، بین مسلمان و غیرمسلمان هم تبعیض قائل میشود و مثال زدیم که این لایحه با تاکید بر این مسئله که مثلا اگر مرد مسلمان بدست یک مرد مسلمان کشته شود فلان حکم دارد، عملا تکلیف این حالت را که مرد مسلمان بی یک فرد غیرمسلمان را بکشد مسکوت گذاشته است تا راه برای اقدامات ارتجاعی شرم آوری که امروز از غلشی کردن آن میشود بسیار زیاد! آنها در شرایط سیاسی واجتماعی کنونی، جرات نمیکند بگویند اگر یک غیرمسلمان کشته شود، کیفرش از کشتن یک مسلمان کمتر است و به همین دلیل، به نحوی نوطه گرا نه وریا کارانه و خاشا نه، بین قبیل فضا یا را برای فردای خیالی شان که میخ حاکمیت خوبی را محکم کرده باشند، گذاشته اند. رژیم حاکم و بیوزنه حزب جمهوری اسلامی که با انجام قوامی کوتاه این لایحه ارتجاعی را به نوده ها و زحمتگنان میهن ما حقه کند، خیالات شوم دیگری سیر در سردار دکه امروز از غلشی کردن آن برهیر مینماید. مثلا از اینکه زن در برا برون قصاص میشود (ماده ۵) سخن گفته میشود ولی ارتجاعی این نیت ارتجاعی که "برده را در برا بریده قصاص میکنند" حرفی بمیان نیامورد در حالیکه اصلی که ماده ۵ لایحه را آن گرفته شده چیزی جز آیه ۱۷۸ از سوره بقره نیست که مکتوب :

"کتاب علیکم القصاص فی القتلی الحر بالحر والعبد بالعبد والانس بالانس بالانسی" (یعنی در برابر برکشته ها با بد قصاص کنید؛ آزاد در برابر آزاد، برده در برابر برده و زن در برابر زن)، تهیه کنندگان لایحه قصاص مرتب تاکید میکنند که میخواهند قانون اسلام را بیاورند، آنگاه در بیانی "لایحه قانونی" خود، دنیا له همان آیه را که مکتوب: "ولکم فی القصاص حیاة یا اولی الالباب" (یعنی ای صاحبان خرد حیات شما در قصاص میباید) نوشته اند و با توجه به اینکه در اسلام و کتب فقهی اسلامی هرگز بر دگی لغو و تحریم نشده است، اگر چه معلوم که خدا تعالی با حاکم همانا نظیر که دست بریدن و سنگسار کردن را در دستور دارد (و حتی با راهها را کذا شده) خیال رنده کردن قوانین برده داری را نداشته باشد؟! مسلما دورد برده داری در کنار

جامعه برتری برآمده و نیروهای ارتجاعی بهیچ قیمتی نمیتوانند آن را با زگردا نند و منافع طبقاتی خودشان هم با احاطه برده داری سازگار نیست ولی از این لحاظ که یک نیروی ارتجاعی برای تثبیت قدرت خود حاضر است با ارتجاعی ترین و پیوسته ترین طبقات و بینش ها عقیدتها دیند (همانطور که امیرالایم بافتو دالیم) این نیز واقعیت دارد که رژیم بورژوازی جمهوری اسلامی نیز احیای برخی از نیتها های ما قبل

و دمکرات که آنها نه ترو مستولانه تر در برابر خطرات ارتجاعی و وحشیانه ای که سرشوت میهن ما را تهدید میکنند با بستن وجهه دزخیسان قرون وسطی را که در قالب "حزب" و مجلس ولایحه و... بنهان شده است به نوده های نا آگاه هر چه بیشتر نشان دهند.

اکنون به مواد دیگری از لایحه قصاص می پردازیم:

### اگر پذیری پسرش را بکشد از قصاص معاف است!

"ماده ۱۶- هرگاه به پدر یا جد پدری، فرزند خود را بکشد قصاص نمیشود، بلکه باید دیه قتل را به

تهیه کنندگان لایحه قصاص، مرتب تاکید می کنند که می خواهند قانون اسلام را پیاده کنند... با توجه به اینکه در اسلام و کتب فقهی اسلامی هرگز بردگی لغو و تحریم نشده است، از کجا معلوم که ضد انقلاب حاکم، همانطور که دست بریدن و سنگسار کردن را در دستور دارد، خیال زنده کردن قوانین برده داری را نداشته باشد؟! "

ورنه مقتول بدهد و حاکم شرع او را تغیر بتماید و غیر پدر و جد پدری مانند دیگران قصاص میشود. همانطور که ملاحظه میکنید به پدر و جد پدری این امتیاز داده شده است که فرزند یا نوه خود را بکشند و فقط خونبهای او را به ورنه مقتول بدهند. جالب اینکه اگر ورنه مقتول کسی جز پدرش یعنی خود قاتل نیست، بیول به خودش بر میگردد! (در مورد ارث رجوع شود به سوره نساء آیه ۱۱ و ۱۲)

حالا ببینیم دادن چنین امتیاز ارتجاعی به پدر و جد پدری (والایتة) حرام کردن ما در از جنسین "حق" (حق!)" سرتجاش به کد مدوره تا ریک زندگی بشر بر میگردد؟ هنگامیکه دوره مادر سالاری سقوی شد و بقول انگلس "مرد فرما شروایی خانه را نیز بدست آورد" و با زبقول او هنگامیکه ستم مرد بر زن بعنوان اولین ستم طبقاتی در تاریخ پدید آمد (کتاب مثناء خانواده... ) پدر و جد پدری بعنوان صاحب و کسی که همه اختیار فرزند بدست آنهاست و حتی میتوانند فرزند خود را بی "خدا یا ن" قربانی کنند شناخته شدند.

در داستانهای مذهبی، آنجا که ابراهیم فرزند خود را سما عیل را به قربانگاه میبرد و کارد بر حلق اومی مالد (مثناء فعلی قربانی کردن در مراسم حج) و یا آنجا که در تاریخ زندگی پیغمبر اسلام نوشته اند که جدش عبدا لمطلب سندر کرده بود پسر خود عبدا لله (پدر پیغمبر) را در خانه کعبه قربانی کند و غیرا زانها، نمونه های متعددی از اعمال حق پدر و جد پدری فرزند دیده میشود، "حق" که تا سر حد کشتن فرزند و لو در هفتاد سال از عمرش بگذرد، بیس میروند.

آری، تعجب نکنید، این است شمره نا تمام ما تندن انقلاب دمکراتیک - خدا میرا بیستی خلفهای ایران، که علیرغم این مبارزه و آن

سرما به داری را برای تمامیز و تثبیت ماهیت و منافع خود لازم می بیند، امری که در اینجا ده کردن ولایت فقیهه تجسم مینماید. در اینجا با دیدگت که اگر امیرالایم با فتو دالیم عقدا تھا دمیندند امری موافقی است تا سرانجام فتو دالیم را کنار بزند و بجای آن بورژوازی کمبراد دور بیاورد، ولی عقدا تھا دیورژوازی حاکم با ولایت فقیهه (کلریکا لیم) در جهت تمامیز و تثبیت خود در برابر لیبرالها و نیز در مقابل جنسین کمونیستی و انقلابی مینماید. مسلمان است که امر از حزب جمهوری برای حقن کردن قوانین ناشی از ولایت فقیهه نه تنها به نیت رژیم حاکم کمک نمیکند، بلکه سقوط و طرد آن از صحنه را تسریع مینماید. در این رابطه با تھا دیورژوازی حاکم با نیتها های ما قبل سرما به داری، بعنوان مثال میتوان گفت :

وقتی یورش وحشیانه به کردستان و سرکوب خلق کرد، بعنوان جنگ علیه کفایتی می - شود و مال و ناموس خلق کرد، حکم غنا تم جنگی بیاها سلام قلمدا دمیکردد، وقتی حکم عدا م به "جرم" بدگوشی به ما موبیغمبر، قانونی میشود، وقتی دست بریدن و سنگسار کردن و شلاق زدن، بعنوان حشری، بصورت امری قانونی درمی آید، وقتی کشتن کمونیستها و مجاهدین، مصدوره اموال آنان و ضرب و ستم ویستن دروغ و افترا به آنان و شکنجه و زندان آنها بصورت امری مناج و حلال معرفی میشود، چه تضمینی وجود دارد که فردا مثلا فرزندان انقلابی خلق کرد را بعنوان اسیران جنگی که حکم بریدن در باره آنها بیا ده میشود، در باره زار بفروش برسانند؟! و با با زان اسیر (کنیزان!) حتی عقدا زدواج را لازم نمینماید و ها مثال دیگر!!

نگه ای که ذکر کردیم هندی است حدی به همه کارگران و زحمتگنان و نیروهای کمونیست





بقیه از صفحه ۱

# رژیم جمهوری اسلامی: پیش بسوی وابستگی بیشتر به امپریالیسم!

پیکار ۹۳ آورده ایم، با رسازی ارتش آمریکا شی شاه، گسترش روابط اقتصادی و سیاسی با کشور-های امپریالیستی و سرمایه داری، بکار اندازی همان سیستم داری پیشین، بکارگیری مهره های رژیم منفور شاه، ترمیم دستگاه های سرکوبگر رژیم پیشین، دعوت از سرمایه داران فراری و... از جمله اقدامات و عملکردهای رژیم جمهوری اسلامی میباشد.

طبیعی است که سردمداران جمهوری اسلامی کلیه اقدامات ضد خلقی و وابسته گرانه شان را بیخاطر جلوگیری از آنگاه شدن توده های زحمتکش به ما هیت و سیاستهای رژیم، در پناه هیاهوی از تبلیغات دروغین و تحت عناوین "مبارزه ضد - امپریالیستی" (با ضد "استکبار جهانی") و "امنال آن اشخاص منتهی" ما بقول معروف "مک آنست که خود بسویید..." و اقدامات های پررنگ و لبا با ما بی محتوای رژیم نمینوا سب برای همیشه برده بر جیا ولگریها، غارت ها و استثمار ر هستی و تسوا ن زحمتکشان بکنند، و عملکردهای رژیم بسیار زیاده تر از آنچه فکرش را میکرد، صبح او را پیش کارگران و سایر نیروها با زکرده است.

دو سال و چهار ماه که کمیت رژیم جمهوری اسلامی ثابت کرده است که کشورهای تحت سلطه، حلقه های از زنجیر بهم پیوسته دنیا ای امپریالیستی بوده و منابع سرمایه داران این گونه جوامع با منافع سرمایه داری انحصاری جهانی بهم دیگر گره خورده است. عملکردهای رژیم - و هر دو جناح سورژوانی آن - و واقعیت های ملموس جامعه ما بسوی استثمار روز افزون کارگران و زحمتکشان و بهره کشی رویتزاید آن (که با تشدید فقر، فلاکت و هر چه بیشتر یکدیگر شدن خون آنان همراه است) بجنح سرمایه داران ایرانی و خارجی، شدت با بی بحران اقتصادی از جمله حطی، گرانی، تورم، بیکاری و... و انتقال بخشی از بحران جهانی سرمایه داری به میهن ما و مهمتر از همه حفظ منافع امپریالیسم جهانی که در گسترش روابط اقتصادی و سیاسی با کشورهای ارتجاعی وابسته به امپریالیستی رنگارنگ، خرید و سلاحه از آن کشورها، سیل واردات به ایران، حفظ و تضمین سرمایه های خارجی در ایران، ضمانت با زبردخت و امه های سرمایه داران فسراری و اعوان و انصار رژیم شاه به شرکت های امپریالیستی و... تیلور میباید، بسیار نگران حقیقت است که سرمایه داری کشورهای وابسته به بندهای محکمی به انحصارات امپریالیستی و کشورهای امپریالیستی و سرمایه داری گره خورده و جزئی از اردوگاه ضد انقلاب امپریالیستی جهانی را تشکیل میدهد. این واقعیت - های انکارنا پذیر، ترهات رویزیونیستی مبنی بر وجود "بورژوازی ملی" و "سرمایه داری غیر وابسته" در این کشورها را قاطعانه نفی میکند و بر فرضیه - های اپورتونیستی مشابیه مهربا ظل میزند.

چربان "ا شغال سفارت آمریکا" و "آزادی مفتخا نه گروگانهای جاسوس که بدنبال امضای قرارداد خدایانکارانه "لجرایر" و بدنبال پیش

از یکسال فریب و تبلیغات ارتجاعی رژیم (که) با تاخیر و تکریم رویزیونیستهای خائن بویژه حزب توده و "اکثریت" همراه بود صحبت گفته های کمونیستها را یکبار دیگر تکرار کرد.

بدنبال و همسویا این قراردادها بخش چند سلیب رددلاری رژیم زدا را شی خلقهای ایران به امپریالیستها صورت گرفت و از ۱۴ میلیارد دلار در ایران دریا شکهای امریکائی فقط ۲/۷ میلیارد دلار در اختیار دولت ایران قرار گرفت - که البته برای آنها ظرف "دولت مکتبی" خوا بهای "خوش" دیده شده است (که شان خوا هم بر داخت) - گشایی بمراتب بیشتر در روابط و وابستگی رژیم جمهوری اسلامی به امپریالیسم جهانی بیابا آمده است. البته بیکر اما رهای رسمی نشان میدهم که حتی در مدتی که از طرف کشورهای امپریالیستی غربی "تحریم اقتصادی" در مورد ایران اعمال میشد روابط اقتصادی فیما بین نه تنها قطع نشده بلکه افزایش نیز یافته است. همچنانکه آثاره شد بخشی از تحکیم سرمایه داری وابسته و گسترش آن در کشورهای که رژیمهای وابسته به امپریالیسم (نظیر ایران) دارند روابط اقتصادی، عقد قرار دادهای سلطه گرانه و واردات این کشورها از کالاهای کشورهای امپریالیستی و وابسته به آنها بر میگیرد. ما در زیر بار تکیه روی اسناد و ارقام نشان خواهیم داد که رژیم جمهوری اسلامی با افزایش قراردادهای غارتگرانه و با غارت ارز حاصل از فروش نفت که متعلق به زحمتکشان ایران - امروز در آینه - میباشد در گسترش و تحکیم سرمایه داری وابسته و محکم تر شدن بندهای وابستگی به امپریالیسم شتاب و سرعت عمل از خود نشان داده است.

ابتدا با بدخاطر نشان سازیم که رژیم جمهوری اسلامی برای فریب توده ها و جهت انبساط با سلاح "استقلال" و "عدم وابستگی" خود بر د و مطلب با فشاری میکند. مطلب اول این ادعای رژیم است که میگوید جمهوری اسلامی برای عدم وابستگی نه با یک کشور بلکه با کشورهای مختلف و از جمله با آنها "یکه" جهان سوم "نا میده میشوند، معامله میکند. او دوام اینکه جمهوری اسلامی با دولت ها و رژیم ها سروکار نداشته بلکه با شرکتها موسسات آن کشورها طرف است. در رد ادعای نخست رژیم با بدخاطر نشان ساخت که کلیه کشورهای امپریالیستی غرب و رژیم های وابسته به آن از جمله گره جنوبی، تا بلند، ترکیه، شیلی، پاکستان و نیز سوسیال امپریالیسم روس

و کشورهای بورژوا رویزیونیستی اروپای شرقی و کوبا همگی اجزاء تشکیل دهنده اردوگاه ضد انقلاب جهانی (امپریالیستی) بوده و ما مله با آنها و بستن قراردادها با یک یا چند کشور با هم با این کشورها تا تیری در ما هیت امر شده و آنچه که اهمیت دارد رتووع این قراردادها و باید رژیمی است که با این کشورها واردات و دستبند روابط اقتصادی - سیاسی میگردند و از آنجا که رژیم جمهوری اسلامی مدافع و حافظ سرمایه داری وابسته و بخشی از این اردوگاه ضد انقلاب جهانی بشمار میرود، چه با یک کشور امپریالیستی طرف معامله شود و چه با همه آنها در زمان واحد رابطه سیاسی و اقتصادی برقرار کند در اصل مطلب که ما هیت غارتگرانه و تسوا ن استعما ری این روابط است شغیری حاصل نمیکرد. اما در مورد مطلب دوم مورد ادعای رژیم - که بسوی مرتجع نیوز این روزها بسیار بر آن تاکید میکنند - با بسند بگوئیم که شرکت های امپریالیستی و از جمله شرکت های چند ملیتی که برای استثمار اردوگاه زحمتکشان کشورهای وابسته در کشورهای تحت سلطه نیز نفوذ و تسلط دارند حلقه های تحت زنجیر بهم پیوسته ای است که جهان امپریالیستی نا میده میشود. آیا رژیم گره جنوبی که تا مغز استخوان وابسته به امپریالیسم آمریکا است و با فاشیستهای حاکم بر آرتانین (دولت های سن - المللی و وابسته به آن) بدون توافق و اشاره امپریالیستهای آمریکا شی میتواند سلاحه آمریکا شی در اختیار رژیم جمهوری اسلامی قرار دهند؟ (و ا نشا قاحریان جیا ول ۵۶ میلیون دلار نیز به خرید تجهیزات نظامی و سلاحه از آرتانین (بابک تا جراتر آرتانین)) و از طریق اسپانیا میسر میشود (بنابگفته یکی از مقامات رژیم) که قبلا آنرا افشاموده ایم) و در نتیجه ادعای "استقلال" و "عدم وابستگی رژیم فریبی بیش نیست. (پیکار ۱۳۰) نکته دیگری که باید به آن اشاره کرد بهره سود با آورده ای است که از طریق این قرار - داده ها علاوه بر شرکت های امپریالیستی، منسوب سرمایه داران وابسته ایرانی میگردند. نمونه بارز این جیا ول منفعت و سود ۱۲۰۰۰ میلیارد ریالی است که در سال گذشته وارد کنندگان ایرانی از طریق غارت دسترنج چیز زحمتکشان در کسبه گنا دخوش ریخته اند. با دآوری این مطلب ضروری است که اگر چه مورد اخیر نیز برخی نزار - دادهای دولت با شرکت های امپریالیستی نظیر تلبوت، سرمایه داران لیبرال سرومدای



# پیکار

دکتر نوربخش معاون وزارت امور اقتصادی و دارایی در گفتگویی با خبرنگار خبرگزاری فارس علت و نتایج سفر اخیرش به آلمان فدرال را تشریح کرد و گفت:

این سفر بمنظور شرکت در مجمع سالانه کمپانی دیویچه با بکو که ایران سهامدار آن است صورت گرفت. دکتر نوربخش خاطر نشان ساخت در این سفر با مقامات کمپانی کرپ نیز مذاکره و تبادل نظر شد. بر اساس این مذاکرات قرار شد ایران نیازهای صنعتی و شخصی خود را در درجه اول از امکانات این کمپانی ها، تامین کند. (میزان ۶۰/۲/۱۶)

و بدنبال این خبر ادیوکلن اعلام میکنند که: "شرکت فولکس واگن برای انجام یک معامله ۴/۷ میلیارد ریالی با ایران تلاش میکند" (انقلاب اسلامی ۶ خرداد ۶۰).

امیریا لیستهای اروپایی را پیدا کرده اند. از اینک رژیم جمهوری اسلامی برای "سرخ کردن" چهره زرد و ضد انقلابی اش و فریب توده ها، شب و روز در بلندقوهایش به امیریا لیستهای اروپاییها رانراحت نمیکند. برای امیریا لیستهای آنچه که اهمیت دارد گسترش روابط اقتصادی و سیاسی و تامین منافع غارتگرانه شان میباشد. که به بهترین وجهی از طرف رژیم جمهوری اسلامی سرآورده میگردد.

مذاکرات با امیریا لیست آمریکا ادامه دارد  
ما بهنگام آزادی گروگانها گفتیم که مساه عمل دوره جدید رژیم جمهوری اسلامی و امیریا لیست آمریکا آغاز گشته است و سیر حوادث نیز محبت گفته های ما را اثبات کرد. ما در شماره های گذشته بیکار نمونه های زیادی از فروش اسلحه و تجهیزات نظامی از طرف امیریا لیستهای آمریکا طی به رژیم جمهوری اسلامی را بر ماسا کرده ایم. خبری راجع به از دور نمای گسترش روابط بین رژیم و امیریا لیستهای آمریکا البته در جهت منافع امیریا لیستهاست.

امیریا لیستهای اروپایی را پیدا کرده اند.  
● امیریا لیستهای اروپایی فراموش نشده اند! همانگونه که ما در شماره سوم به داری وابسته ایران در چهارچوب منافع سیستم جهانی امیریا لیست عمل

سرخودا زما بدوا زنیگی روابط فیما بین ایران را انگلیس بکا هد!!  
● امیریا لیست ژاپن نیز سهم خود را می گیرد!

**انفکاد قرارداد فروش نفت ایران به ژاپن**

**ژاپن مجددا قطعات یدکی اتومبیل به ایران صادر می کند**

**گشایش شعب بانک ژاپنی در تهران**

لندن - خبرگزاری فرانسه - بر اساس گزارشهای لندن ایران صادرات عادی نفت خام خود را ایان ماه آوریه جاری از سرخواهد گرفت. بران بین وزارت نفت و ۱۳ شرکت نفتی شده است.

از قرارداد بدست ۹ ماه اعتبار داشته و در آن از قرار ۳۷ دلار در ازای هر بشکه نفت، ۱/۸۰ دلار افزایش معادل ۱/۸۰ درصد افزایش قیمت نفت خواهد بود.

**استقبال بانکداران ژاپنی از طرحهای اقتصادی ریگان**

کیوهی - رویترز - بانکداران ژاپنی گفتند فروش نفت ایران به ژاپن و کاهش مالیات نشان دهنده یک تحول مثبت در اقتصاد آمریکا میباشد. آنها گفتند ژاپن از استقبال از استخدام اقتصاد آمریکا میتواند سود ببرد زیرا این کشور در حال حاضر با کمبود نیروی کار مواجه است.

**کارخانجات ژاپنی در تهران**

تهران - رویترز - کارخانجات ژاپنی در تهران در حال احداث است. این کارخانجات قرار است در زمینه تولید قطعات یدکی اتومبیل فعالیت کنند.

UNIQUE PHOTODUPLICATION SERVICE  
RESOURCES TO P.O. BOX 2187  
TEHRAN, IRAN

ALL INFORMATION CONTAINED HEREIN IS UNCLASSIFIED EXCEPT WHERE SHOWN OTHERWISE.  
DATE 08/27/01 BY 60322 UCBAW/STP

کرده و بخشی از آن بحساب میاید و هر چه سره دروغینی که رژیم جمهوری اسلامی بخود میگرد در اصل ما جراتانیری نمیکندارد و به همین جهت هم رژیم در جهت توسعه نظام را رجاعی حاکم، روابط اقتصادی با امیریا لیستهای اروپایی غریبی را فراموش نکرده است. در بیکار ۱۹۴۳ برده از مذاکرات تیکه بین دولت جمهوری اسلامی و دو شرکت امیریا لیستی آلمانی و اطریشی جهت امضای قرارداد ۲ میلیارد ریالی محتسب فولاد که رژیم شما تصدیق کرده کردن پروژه آنسرا داشت برداشتم. در دو شماره قبل خبری داشتیم در مورد امضای قرارداد بین جمهوری اسلامی و شرکت امیریا لیستی کرپ، شرکت کرپ بیک کمپانی آلمانی است که سالها پیش در آستانه بحران اقتصادی قرار داشت ولی رژیم شاه جلاذ با بتاراج گذاشتن پول نفت، بخشی از سهام آنرا خریداری و آنرا از ورشکستگی نجات داد و الان رژیم جمهوری اسلامی همان راه را ادامه میدهد.

... در زمینه گسترش روابط فنی و اقتصادی با ژاپن مانتی وجود ندارد. چون دولت ایران در عین حال که ژاپن را یک کشور سرمایه داری بیند، ولی یک کشور استعمارگر و رانمی داند. از مصاحبه نیوی - اطلاعات ۶۰/۲/۲۱ آری، سردمداران مرتجع رژیم جمهوری اسلامی برای هر خبانت خود توجیهی می تراشد، مرتجعی چون نیوی نیک میدانند که منافع امیریا لیستهای غربی گره خورده و جبهه بسیارند سرمایه گذار ریهای آمریکا نی که در ژاپن عمل میکنند و نیز جبهه بسیارند سرمایه گذار ریهای انحصاری سگران ژاپنی در کشورهای امیریا لیستی و سرمایه داری دیگر و همه اینها دست در دست هم در استعمار زحمتکشان جهان همراه دولتی نیوی آگاهانه تصویر "نی آزار" از امیریا لیست ژاپن می تراشد تا توسعه روابط اقتصادی غایت - گرانه رژیم را با امیریا لیستهای ژاپنی توجیه نماید. رژیمی که ادعا میکند با تک ها "ملی" شده اند اما زه گشایش نبایدگی به با نکه های ژاپنی میدهند تا غارت دسترس زحمتکشان بیفخ امیریا لیستهای ژاپنی و سرمایه داران وابسته ایرانی را میسر کرده و رژیم جمهوری اسلامی بنوا بد حفظ و تحکیم سرمایه داری و وابسته را عملی سازد. حجم مبادلات بین ایران و ژاپن در اسفند ۵۸ بیش از یک میلیارد دلار بود (انقلاب اسلامی ۲ اسفند ۵۹) که با قراردادهای جدید تاراج نفت و خرید قطعات یدکی از کمپانی "تیسان" و ورود کالاهای دیگر همچنان روابط نواستعماری با

**کوشش آمریکا برای بهبود روابط با ایران**

به نقل از مطبوعات سرب - کاخ سفید واشنگتن اعلام نمود این کشور از تجدید روابط با ایران استقبال می کند. سخنگوی کا سفید گفت البته تعهد دولت ریگان برای اجرای موافقتنامه الجزایر، بمعنای عادی شدن روابط دو کشور نمیباشد. از سوی دیگر معاون وزارت امور خارجه ایالات متحده در برابر کمیسیون امور - به نقل از مطبوعات سرب - کاخ سفید واشنگتن اعلام نمود این کشور از تجدید روابط با ایران استقبال می کند. سخنگوی کا سفید گفت البته تعهد دولت ریگان برای اجرای موافقتنامه الجزایر، بمعنای عادی شدن روابط دو کشور نمیباشد. از سوی دیگر معاون وزارت امور خارجه ایالات متحده در برابر کمیسیون امور -

خارجه مجلس سنا این کشور اعلام کرد اجزای موافقتنامه الجزایر، تا مبن اهداف و مناسبات استراتژی آمریکا به بهترین وجه خدمت خواهد کرد. وی افزود کشورهای دوست آمریکا در منطقه خاور میانه، از ایالات متحده خواستند که به مفاد موافقتنامه مذکور عمل نماید.

انقلاب اسلامی - یکشنبه ۲۴ اسفند ۵۹

**صنایع کرپ در آستانه ورشکستگی**

بوخوم - آلمان غربی - خبرگزاری فرانسه، کمپانی عظیم فولاد سازی کرپ آلمان غربی دیروز اعلام کرد: این کارخانه نیروی کار ۴۰ هزار نفری خود را به ۲۵ هزار نفر کاهش خواهد داد.

این کمپانی در سال ۱۹۷۹ نزدیک به ۱۰۰ میلیون دلار ضرر کرد و مدیریت آن اعلام کرد در نظر دارد تولیدات بخشی از صنایع را قطع کرده و تولید خود را بر حسب تقاضای کنونی بازار محدودتر کند.

لازم به یادآوری است که یکارترین صنایع کرپ به حال ورشکستگی در آمد، اما چندین بار با خرید سهام کارخانجات کرپ، این شرکت را از ورشکستگی نجات داد.

● سوسیال امیریا لیست و کشورهای بورژوازی و رژیونیستی در راه گسترش نفوذ سوسیال امیریا لیستهای شوروی و کشور - های سرمایه داری (بورژوا - رژیونیستی)

۱۸ شهریور ۱۳۸۷  
 در این شماره از مجله «تاریخ» به بررسی سرنوشت یک خانواده ایرانی در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم پرداخته شده است. این خانواده که در اصفهان ساکن بود، در جریان تحولات اجتماعی و سیاسی آن زمان، دچار تغییرات عمده‌ای در ساختار خانوادگی و فرهنگی خود گردید. مقاله به بررسی زندگی شخصی و حرفه‌ای اعضای این خانواده می‌پردازد و تلاش می‌کند تا تصویری جامع از شرایط زندگی آن‌ها در آن دوره تاریخی ارائه دهد. همچنین به بررسی نقش زنان در این خانواده و تأثیر تحولات اجتماعی بر سرنوشت آن‌ها نیز پرداخته شده است.

در این شماره از مجله «تاریخ» به بررسی سرنوشت یک خانواده ایرانی در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم پرداخته شده است. این خانواده که در اصفهان ساکن بود، در جریان تحولات اجتماعی و سیاسی آن زمان، دچار تغییرات عمده‌ای در ساختار خانوادگی و فرهنگی خود گردید. مقاله به بررسی زندگی شخصی و حرفه‌ای اعضای این خانواده می‌پردازد و تلاش می‌کند تا تصویری جامع از شرایط زندگی آن‌ها در آن دوره تاریخی ارائه دهد. همچنین به بررسی نقش زنان در این خانواده و تأثیر تحولات اجتماعی بر سرنوشت آن‌ها نیز پرداخته شده است.

**آنتن‌های دیجیتال**

آنتن‌های دیجیتال با کیفیت بالا و قیمت مناسب. برای اطلاعات بیشتر و خرید، با ما تماس بگیرید.

آدرس: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۳۳، طبقه اول، واحد ۱۰۱  
 تلفن: ۰۲۱-۸۸۸۸۸۸۸۸  
 وبسایت: www.digitalantenna.com

**خدمات مشاوره و طراحی**

تیم متخصص ما در زمینه طراحی و اجرای سیستم‌های امنیتی و حفاظتی فعالیت می‌کند. با ما تماس بگیرید تا نیازهای شما را ارزیابی کنیم و بهترین راه‌حل را پیشنهاد دهیم.

تلفن: ۰۲۱-۱۲۳۴۵۶۷۸  
 آدرس: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۳۳، طبقه اول، واحد ۱۰۱

**انجمن تاریخی و ادبی**

در جستجوی سوغات و یادگاری‌های تاریخی

انجمن تاریخی و ادبی، مجموعه‌ای از علاقه‌مندان به تاریخ و ادبیات ایران است که با هدف ترویج و احیای میراث فرهنگی و تاریخی کشور تشکیل شده است. این انجمن به برگزاری نشست‌ها، کارگاه‌ها و تورهای تاریخی می‌پردازد و تلاش می‌کند تا با همکاری نهادهای دولتی و خصوصی، در زمینه حفاظت و مرمت آثار تاریخی کشور فعالیت کند. همچنین به انتشار نشریات تخصصی و برگزاری دوره‌های آموزشی در زمینه تاریخ و ادبیات نیز می‌پردازد.



# رفقای معلول حادثه دانشگاه و مدال افتخار در راه آزادی طبقه کارگر

در نتیجه جنایت کم نظیری که با برتساب نارنجک سا جمه ای بدرون موقوف تظا هر کشتهگان مقابل دانشگاه، در روز ۳۱ فروردین صورت گرفت، سه نفر از رفقای دلیر ما ابرج تراسی، آذ میرعلیان و مزگان رضوانیان بشهادت رسیدند و دهها تن مجروح و عده ای معلول گشتند. اینک در بیمارستان و در حالیکه ما ساران جیل و سرمایه همچون حلال، بریا لیس رفقای ما حضور داشتند، رفقای ما چه جماعتی از ما وست و شور انقلابی و کمونیستی به ظهور رسانندند! ستان دیگری دارد. اینک رفقای سیکا رکوما حتی در لحظاتی که زیر سربلای جراحی قرار داشتند یکدم از عشق آتشین خوبی به کارگران و رزمندگان و کینه نسبت به ضد انقلاب غافل نبودند و رفتی دیگر برای ما زود کردن میخواستند. شور و حماسه آفرینی این رفقا برای ما، امیدی است تازه، درسی دیگر از ما و ست سرتو لستری و افقی روشن سوسی فدای کارگران و رزمگنان که چنین جایزایان و اینا رکوان کمونیستی دارند.

ما جمه ای که با جندش از این رفقای مجروح و معلول انجام داده ایم و در جند شماره خوا هیما آورد، خود کویا تر از آن است که به شرحی بنا ردا شده باشد. در بین اینا، هستند رفقای که چشم خود را از دست داده یا دست و پایشان یا صورت و معده و کمرشان آسیب دیده و معلول گشته اند که ما مدلائل امنیتی از ذکر جزئیات آن خودداری کرده ایم. آتیای این زخمها را مدالهای افتخار خویش در ما رزه بیگبر و آنتی-نا بیذیران در راه ما رزه با سربا لیس و ارتجاع داخلی و در راه آزادی طبقه کارگر و نیل به سوسیا لیس میباشند.

به سخنان گوش فرادهم: نخستین رفیق، کارگری کمونیست است که در موقوف سازمان سیکار به ما رزه خود را داده میدهد و میگوید:

## ”مبارزه طبقاتی و کمونیسم انسانهای آهنین میسازد“

”... تظا هرات سراسر عت و تقریبا بطور منظم شروع شد. منتهای گره کرده رفقا و شعرا ههای محکمی که میباشند شورخامی در من ایجاد کرده بود و خاطره ۱۳ آبان خونین ما و حماسه مقاومت دانشجویان انقلابی در اول اردیبهشت ۵۹ در همین مکان را در ذهنم زنده میگرد. من بیست

سرفقای پلاکار در بدست ایستادیم. روبروی دانشگاه ۱۰ نفر از ما تداران رژیم ساجوینای شکل آ شایش قدرت میدادند. پس از حمله حصدقا لائو عقب راندن آنها توسط رفقا، تا کینا صدای انفجاری شدید شنیده شد. زمین زیر پایم شد لرزید. دردی شدید در خود احساس کردم و میخواستم ممترا حفظ کنم. رفیقی دختری دستش را روی دلش گذاشته بود و ناله میکرد. ب خود آمده و فکر کردم قضیه سه راهی انداختن ما میان صف تظا هرات ۲۲ بهمن در ۳۱ مل تکرار شده است. صف ب طرف خیابان مصدق براده اما ما دا دومن چون حالت تهوع و سرگیجه داشتیم به دیواری تکیه زدیم. مردم میگفتند با دیده دگتر بررسی و من سعی داشتم در این میان رژیم را افشا کنم. به حال به کمک یک رفیق راهی بیمارستان شدیم و پس از چندین بار به بیمارستان خمینی و در مانگا نزدیک آن رفتن، بدلیل نبودن جا مجبور شدیم به بیمارستان شریعتی برویم. در جلوی بیمارستان خمینی یک رفیق دیگری را نیز سوار ما شین ما کردند. رفیق همراه هم میگفت وی سیرکارگراست و از جانبیت سازمان دفاع میکند و من احساس افتخار میکردم که ما ناطعانه به ما رزه مان داده میباشند. رفقای زیادی در این بیمارستان بستری بودند. به برگ نمی اندیشیدم. اولین چیزی که به ذهنم خطور کرد، به رفقا گفتم: بکدا روبرویونیستها و ایورتونیستها ما را ۳۱ تا شینت بگویند. پس رژیم است که چهره جناینکارانه خود را در مقابل ما نشان میدهد. ما با بدبختی نیت مبارزه با رژیم بیشتر ایمان پیدا وریم...

در جلوی بیمارستان خمینی برادر کوچکترم را دیده بودم که به حمل رفقای زخمی کمک میکرد. مرا که دیدیک لحظه مکت کرد و رفتی رفیقی گفت برو خواهت را ببین و ما با سخ دادا و هم مثل بقیه رفقا! اینجا جاست، به بیمارستان شریعتی ببریدش و پس با سراسری به من کرد و من احساس میکردم مبارزه طبقاتی و کمونیسم ما نهیای آهنین را میسازد.

چند لحظه پس از ورود به بیمارستان شریعتی خواهرم را دیدم که شدیداً زخمی بود، اما با این وصف راه میرفت و همه زخمها سر میزد. رفیقی خرسشادت رفیق آذرا به من داد و هر دو با خشم دست هم را فشردیم... دوران در افاق روبروی من آنجان مرانگا میگردند که قلم زشادی شدت می طپد. برستا رها شدیدا دلسوزی میگردند. رفقای یکی پس از دیگری بدیدنان ما شدند و حالمان را می پرسیدند. نزدیک شب بدلیل امکان محاصره بیمارستان توسط پاسداران و

دستگیری زخمیا، رفقایمان را از بیمارستان خارج کردند و از این پس دیگر رفقای کمیته پزشکی سازمان بودند که با صداقت و مسئولیت رفیقان ما را تنها نمی گذاشتند و مداوا می کردند. در تمام مدت زخمی بودن فکر میکردم که هارندن رژیم توسط ما این شوهفا شینتی، نشانه و جگری جنین و شکستن سیرتروهیم شده ها و عجز و بونی رژیم است. گوئی عزمم برای بشیرد بشیرترو به تر فاعلیت مبارزاتی انقلابی مان چندین بار بر شده بود. دلم می خواست هر چه زودتر کارها را بر شروع کنم...

## در بیمارستان، بجای ”من“ رفیق ”من“ مطرح بود!

روز ۳۱ فروردین ساعت ۴/۵ طبق قرار که در انسیم از محلی نزدیک، عازم محل تظا هرات شدیم. بدلیل شلوغی بیمارستان رفیقی که همراه ما بود از خیابان ما مادم، ما ساعت خود میدانی به شروع تظا هرات مانده بود (قبلا تا کنده شده بود که بروقت بیایم) به همین دلیل حالت است عجله در راه رفتیم که ملا مشخص بود. سکا هم به جیا راه هفتس بود که صدای رسای رفقا "اول اردیبهشت لکه سنگ دیگر بردن از رجحاج" توجهم را جلب کرد. از آن طرف خیابان بدو آدم و در اول صف دولا شدم که بدرون بروم. سمت چپ صف رفیق دوم قرار گرفتیم. وشا رها را تکرار کردیم و در وهله اول انضاط صف، صدای محکم رفقا طلب نظر میکرد. چند بار بدینت صف نگاه کردم صف خیلی منظم بود، صدای بلند شعار میدادیم از جلوی در اجلی دانشگاه وارد شدیم، فالانها خوب بدست حدود (۱۵-۱۰) متر کنار در اصلی دانشگاه ایستاده بودند و نگاه ما به آنها کردیم و زخمی بر لبان نشست، در ذهن ما این جمله نقش بست "چندرا حفسند که خیال میکنند ما - خوا هیما ینجوری دانشگاه را با زخمیم. شعار اتحاد، مبارزه، بیروزی"، دانشجوی ما رزه همت توده ها سگر خود را گنا تکرار میسازد. عده ای از رفقای ورزشکار رین قسمتی گسه فالانها بودند و صف قرار داشت آمدند از صره - بدیری به صف کم گشتند، اول صف از در دانشگاه رنده بودند که آنها با سنگ و حوت به صف حمل کردند صدای فرار رنگند رفقا را شنیدیم، میدانم چندتا نیه پید، این ما بودیم که فالانها را تعقیب میکردیم و آنها را از صف سراسر بدیم، داد زدیم و بیجاها و بظرف فالانها شروع بدیدن کردیم که صدای انفجار رود و غلیظی را احساس کردیم. چند نفر را دیدیم که بظرف پیا ده رود دیدند، بکنتر کنار من دلش را گرفتند و خون آن بیرون میزد. چند قدم که رفتیم بدیم سسوا نمرا بروم. رفیقی آمد و پرسید چه شده؟ پس از آنکه فهمیدم فادریه را ه رفتن سبسم، گفت خوب، شورا کبول

۱ - در مورد ...  
۲ - ...  
۳ - ...

**موضوع اصلی**  
...  
**نتیجه** ...

در مورد ...  
...  
...

...  
...  
...

...  
...  
...

...  
...  
...

...  
...  
...

این ...  
...  
...  
...  
...

...  
...  
...

...  
...  
...

...  
...  
...

د رزیربخشی از اطلاعاتیه گروهی از مسئولین و فعالین سابق سازمان چریکهای فدائی خلق (اکثریت) را میخوانیم:

# چگونه به سازمان پیکار پیوستیم

ما مسئولین و گروهی از فعالین بخشهای کارگری و دهقانی تشکیلات اردبیل فدائیان خلق (اکثریت) بودیم. ارتباط گیری چندتن از ما با تشکیلات فدائیان خلق در اوایل خرداد ۵۶ و ارتباط گیری بقیه ما بعد از این زمان بوده است. بطوریکه میتوان گفت ما از افراد اولیه تشکیلات فدائیان خلق در اردبیل بودیم و در بوجود آوردن تشکیلات اولیه فدائیان خلق در اردبیل نقشی فعال داشتیم.

تماس گیری ما با فدائیان خلق از روی آگاهی کامل به مواضع آنان در زمینه های مختلف انجام نگرفت، بلکه ما سندی بیشتر افرادی که در آن زمان با فدائیان تماس می گرفتند بدلیل نقش فعالی که فدائیان خلق در قریا میبهن مساه داشتند و همچنین برای اینکه آنان شناخته شده ترین نیرو در درون جنبش کمونیستی بودند انجام گرفت....

اولین موضعگیری های فدائیان خلق بعد از قریا میبهن ماه ۵۷ در مورد دولت موقت بازرگان بود. هما نظر که میدادیم فدائیان در آن زمان رژیم جمهوری اسلامی را به دو جناح زیر تقسیم میکردند: ۱- لیبرالها که در آن زمان بازرگان در رأس آنان قرار داشت و دولت موقت را در دست داشتند. فدائیان دولت موقت را دولتی ملی و لیبرالها را آزادخواهانی که خواستار برآوردن منافع خلق بودند، معرفی میکردند. ۲- روحانیان به رهبری آیت الله خمینی که فدائیان این جناح را "قشربون مرتجع" مینامیدند. آنان را سرکوبگر هر نوع آزادیخواهی میدانستند. فدائیان از این دو جناح، از جناح لیبرالها در برابر روحانیان پسنیانی میکردند. (رجوع کنید به کارنامه یک تا ضمیمه شماره ۳۲). هما نظر که گفتیم در اوائل ما از این موضع فدائیان در باره حاکمیت دنیا له روی میکردیم ولی بعدها یعنی قبل از انتشار کارنامه ضمیمه ۳۳ که تحلیل فدائیان از حاکمیت عوض شد، ما به این نتجه رسیدیم بودیم که حمایت از دولت بازرگان که با سیاست کامبه کا خود در جهت نزدیکی به امیرالایم و یازاری سیستم سرما به داری وابسته قدم میداشت،

سیاستی انحرافی و آکنده از توهمات لیبرالی بود. تا اینکه در کارنامه ضمیمه ۳۳ بعد از انتشار کارنامه آمریکا مواضع جدیدی از طرف فدائیان خلق اعلام شد. در این مواضع فدائیان ضمن حمایت از اشغال کارخانه سولیس در دانشجویان پیرو خط امام بعنوان یک عمل ضد امپریالیستی، روحانیت را که قبلاً "قشربون مرتجع" مینامیدند اینبار رضا میرالایمست و نمایندگان خرده بورژوازی سستی قلمداد کردند و لیبرالها که قبلاً از نظر فدائیان ملی و آزادیخواه بودند به متحدین طبیعی امیرالایم آمریکا تبدیل شده بودند. و در این بین طبیعی بود که فدائیان از روحانیت فدائیان لیبرال برای لیبرالها که متحدین طبیعی امیرالایم آمریکا شده بودند پشتیبانی کنند. یعنی مواضع فدائیان در باره حاکمیت ۱۸ درجه خرگوش پیدا کرد.....

این موضعگیری فدائیان بعد از جریان سفارت مقارن بودبا اوگیری جنبش مقاومت خلق کرد، که این اوگیری با تهاجم مسلحانه رژیم جمهوری اسلامی در مرداد ۵۸ آغاز گشته بود سیاست جدید فدائیان در قبال هیئت حاکمه در چگونگی نقش فدائیان در جنبش مقاومت خلق کردتا شیرفروانی میگذاشت. فدائیان که در آغاز تهاجم رژیم به کردستان ناندای بسسه بازرگان نوشته بودند و در آن بازرگان را ضحبت کرده بودند که این اختلافات را میتوان با طرح و آشتی حل کرد و سیاستی ارتش و سپاه پاسداران و... را به میان کشید، ولی با همه اینها، تاجریان سفارت در جنبش مقاومت خلق کرد نفشی فعال داشتند. ولی بعد از جریان سفارت و تغییر مواضع آنان، فدائیان سیاست ساز و آشتی طلبی را در درون جنبش مقاومت خلق کرد در پیش گرفتند و این سیاست آشتی طلبانه در درون خود به مواضع کنونی فدائیان اکثریت در برابر جنبش مقاومت خلق کرد، یعنی خیانت به مبارزات حق طلبانه خلق منتهی شد. بعد از این جریان جنگ و م تر کمن محمرا پیش آمد، اینبار هم فدائیان با توجه بسسه تحلیلشان از قدرت سیاسی که آن را مترقی و فد امیرالایمست میدادند، سیاست عدم تعرض و

سازش را در پیش گرفتند و خلق قهرمان ترکمن را به ریزیم بورژوازی (حزب کمونیستی اسلامی) دعوت کردند و در آن وقت کلمه سازش رند و این سیاست ناآشنا پیش رفت که اکنون دیگر در ترکمن صحرا از شورا های واقعی دهقانی که همسرین دستاورد مساراتی خلق ترکمن بود و به بهای خون شهدای زحمتکش ترکمن بدست آمده بود، نشانی نیست. رژیور و مسائل جدیدی در باره مواضع سازمان برای ما مطرح میشد که از طرف سازمان به آنها جوابی داده نمیشد و مسائل لاینحل میماند و بدین ترتیب سر

اختلافات ما از افزوده میگشت. اختلافات ما سی ما در این زمان با تحلیل فدائیان بر روی مسائل زیر شکل میگرفت:

- ۱- شناختن زمانه دولت.
- ۲- دخالت شوروی در افغانستان و موضعگیری رژیورونیستی فدائیان از این عمل.
- ۳- حرکت پراکندگی و کج رفتاری فدائیان خلق.
- ۴- عدم وجود سترا لیسیم مکرر تنگ در درون سازمان.

۱- در این زمان اختلاف ما با دیدگاههای انحرافی فدائیان از حاکمیت هنوز به مرز بندی اصولی نرسیده بود. بدین ترتیب که بدون اینکه بخوایم بر روی انقلابی و فدا انقلابی بودن رژیم جمهوری اسلامی بحث کنیم و نسبت بدان موضع گیری مشخص نمائیم خواستار شرکت فعال در جنبش مقاومت خلق کرد و مبارزات دهقانی و مبارزات طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان بودیم. یعنی بدون اینکه بخوایم بر روی اساس و ریشه مسئله تکیه کنیم میخواستیم شاخ و برگها را از بین ببریم در مورد ریشه این شاخ و برگها و شاخ و برگ یک ریشه رژیورونیستی یعنی تحلیل از حاکمیت بود.

۲- در مورد مسائل افغانستان با اینکه ما هنوز گرفتار دیدگاههای راست بودیم و فلسفی نظریات ما با نظریات فدائیان اختلاف اساسی داشت، بدین ترتیب که بدون اینکه روشن کنیم سیاست بیابانده شده در افغانستان یک سیاست غارتگرانه است یا منطبق است بر سیاست انترناسیونالیسم پرولتری، سیاست یک کشور سوسیالیستی است یا امپریالیستی، خواستار محکوم کردن سیاست شوروی در افغانستان بودیم.

۳- در این زمان فدائیان بدلیل موضع سانتریستی (بینا بینی) خود نتوان از داشتن یک تحلیل کلی از روند انقلاب و چگونگی چشم انداز آن بودند و به همین دلیل موضع گیری آنان نه بر اساس چگونگی ما هیئت حاکمیت و نیروهای سیاسی، بلکه بر اساس حرکات روزمره آنان شکل میگرفت و به همین دلیل همیشه بصورت کورادنیله و جریانها و حوادث روزمره

پیش بسوی مبارزه ایدئولوژیک ضامن وحدت جنبش کمونیستی



## بخشنامه صفحه ۱۵ درباره

برسد. از این جهت است که در کارگران با جا رسد و در جریان کار روزی خودداری مسئله میسرند که با پیدا هم باشد. با بدست همدیگر را دادند با سودی زودری زوی هم از حقوق طبقاتی خود دفاع نمایند. کارگر به تشبیهی مطلقاً هیچگونه قدرتی در مقابل کارفرمای خود ندارد. این را میسران از موقعی که کارگران منفرداً روند خوبی دریافت :

حرا کارگران منفرداً دستمواستعمار ستیری را بدوش میکنند؟

باینکه مثال درک ما از این مسئله روشنتر خواهد شد. بعنوان نمونه ما عاقل کارگر کارگر منفرداً، مثلاً کارگر خشک شویی را در نظر بگیرید اصلاحاً بگوئیم ندارد. آنها معمولاً ۱۳ - ۱۲ ساعت کار میکنند و حتی در برخی مواقع مثلاً ۱۶ یا نزدیک به عید تا ۱۶ ساعت کار را در کارکنند. این گونه کارگران اگر هم بخوانند که در زمان خود اعتراض کنند و در مقابل او با بایستند، بی چون و چرا اخراج میشوند. درجا معسرما به داری هم که همین تعداد فراوانی کارگر بیکار رها شد بلافاصله جای آن کارگر اخراجی را برکنند. به همین دلیل است که کارگران منفرداً چاره سازند. بهترین ساز و کار را تحمل کنند تا مبادا از گرسنگی بمیرند.

اما در مورد کارگرانی که در کارخانه های بزرگ بصورت دسته جمعی کار میکنند، وضع طور دیگری است. مثلاً کارخانه ایران ناسیونال را در نظر بگیرید که هزاران کارگر در آنجا مشغول بکارند. همین جمع شدن هزاران کارگر در یک محل و در زیر یک سقف، باعث میشود که کارگران به قدرت خودی بیرون بیایند و در مقابل سرمایه داران تسلیم نشوند. کارفرما در اینجا دیگر نمیتواند بطور دلخواه از کارگران کار بکشد، طرف دیگر نمیتواند تشبیه رها کند کارگر را اخراج کند، چون این امر مانع دست جمعی کارگران را برمیانگیزد که برای سرمایه دار عاقبت خوبی ندارد. همان طور که مندا نیم آه رین روزهای سال قبل بود که دولت خواست به سبب جنگ ارتجاعی کنونی، از فرصت استفاده نهم کرده بکساعت بکار روزانه کارگران ایران ناسیونال اضافه نماید. دیدیم که چگونه کارگران متحداً ببا خاسته دست به اعتراض زدند، بطوریکه دولت ساچرا از عقب نشینی شد.

هر کارگری در زندگی خود میبیند که چگونه کارفرما وقتی که در مقابل اعتراضی یک کارگر قرار میگیرد، شیر میشوید ولی برعکس وقتی با اعتراض همه کارگران مواجه میشود درست مثل یک روباه ترسو، قرار را برقرار ترجیح میدهد! کار دست جمعی در محیط های بزرگ کار، زمینه اتحاد و همبستگی کارگران را بخود بوجود میآورد. طبقه کارگر در سربزوروا به خود به اهمیت اتحاد و همچنین به قدرت عظیم خویش بی سپردن در اتحاد و جدنی که در جریان مبارزات اقتصادی بدست میآورد دست به ایجاد سازمانها

و سنگلیانی سیردنا به سر و موثر تر بنواستند سازمان خود را بر زمان داده و به پیش برد. کارگر جنبه های هیجانی خود را برای مقابله با سرمایه دار ندارد. بلکه کشف میشود کارگر سترو هیچ چیز، کارگر متحد هم جز "سوسیالیست" خا طراست.

### ۳- اتحاد طبقه کارگر در قالب تشکل ها و سازمانهای کارگری معنی پیدا میکند:

"کارگری بیدار همیستی که شده است و شامل مقاومت در برابر سرمایه دار را با بداند از خود دفاع کند. او این وسیله را در زمان میباید" (۲)

است که کارگران در جریان مبارزات خود به اهمیت اتحاد دو متحد شدن می میرند. تشکلات و اتحادیه ها در حرکت مبارزاتی کارگران بعنوان حرکت یک طبقه است. اتحاد کارگران وقتی واقعیت پیدا میکند و به عبارتی دیگر وقتی به یک نیروی مادی تبدیل میشود که در یک تشکلات و سازمان جسمی باشد. بطور کلی میتوان سازمانهای کارگری را بر حسب وظایفی که دارند به دو دسته تقسیم کرد:

الف - سازمان کارگری که هدفهایش در چهار چوب نظام سرمایه داری محدود میماند. ب - سازمان کارگری که هدفهایش تنها با درهم شکستن نظام سرمایه داری قابل دسترس است. در مورد هر یک از اینها قدری توضیح میدهیم:

الف - سندیکاها و اتحادیه های کارگری از سازمانهای نوع اول هستند (در این گونه تشکلات کارگری، توده کارگران میتوانند عضوانند به همین دلیل سندیکاها و اتحادیه های کارگری را سازمانهای نو ده ای نیز میگویند. طبقه کارگر با استعاده از این گونه تشکلات، که وجودشان برای طبقه کارگر مطلقاً ضروری است، کوشش میکنند که شرایط بهتری را در چهار چوب نظام سرمایه داری برای فروش نیروی کار خود فراهم نمایند. مثلاً کارفرمایان را وادار کنند که بتوانند کارگران را رعایت نمایند، دستمزدها را بکارگران را بدخلوا بیاورند، حق بیمه، بهداشت و غیره را باموقع بپردازند... واضح است که طبقه کارگر از طریق این تشکلات قادر نیست نظام سرمایه داری را که آنها درهم شکستن آن راه

(۳) - سندیکا های سرخ و شوراهای لنینی (کس) این دومی به قدرت مسلح کارگران متکی است (در این تقسیم بندی منظور نشده است، چون اینگونه تشکلات کارگری فقط در شرایط خاصی میتوانند بوجود آید. سندیکای سرخ اگر چه یک سندیکا است، با اینحال آنچنان تشکلاتی است که با اصطلاح بدحرم سرمایه داری "سجاور" میگوید و عملاً فوئیس آنرا زیربانی می گذارد. شورای لنینی آنچنان تشکلات کارگری است که به جا کسبت سرمایه داران را نمانی نموده و خود به عنوان ارکان حکومت کارگری عمل می نمایند.

بجای اوست، از زمین ببرد. حداکثر کاری که از سندیکاها و اتحادیه های کارگری ساخته است این است که برای فروش نیروی کار، شرایط مسا عدسری را فراهم نماید و نیروی کار را در شرایط بدتری در اختیار سرمایه داری قرار دهند.

ویژه گی است که سازمانها، اینست که اولاً غالباً بطور خود بخودی بوجود می آیند و تا نیاید بخودی خود در نیستند به لزوم و اهمیت مبارزه سیاسی برای سرنگونی نظام سرمایه داری بسپارند. مبارزات خود بخودی کارگران در چهار چوب اینگونه تشکلات، هیچگاه نمیتواند آگاهی سوسیالیستی را برای آنان بدنیاال داشته باشد. بلکه آنها فقط میتوانند آگاهی اتحادیه ای (ترید یونیونی) کسب نمایند، یعنی اعتقاد پیدا کنند که با تشکیل اتحادیه بدهند و از دولت مدد و روقا نیی را بشفع خود خواستار شوند...

ب - همان طور که مبارزات اقتصادی برای آزادی طبقه کارگری بی نتیجه کافی نیست، همان طور سندیکا و اتحادیه های کارگری بعنوان ابزار سازمانی طبقه کارگر، نمیتواند آگاهی بسازد. طبقه کارگر برای نجات خود و دیگر زحمتکشان از فساد استعمار سرمایه داری بدار مبارزاتی دیگری نیازمند است. این مبارزات رجزی نیست جز همان حزب طبقه کارگر یا حزب کمونیست.

ویژگی حزب برخلاف سازمانهای نوع اول اینست که هیچگاه به بخودی خود بلکه از آمیزش جنبش کارگری و سوسیالیسم بوجود میاید، ویژگی دیگر حزب اینست که تمامی کارگران را نمی تواند اندر نیاید در خود منگنل سازد. دلیل اصلی امر هم روشن است. حزب طبقه کارگر ستاد فرماندهی طبقه کارگر و از این رومحامل تجمع فرماندهان و رهبران طبقه است و به خود طبقه. این رهبران، کارآمدترین و پیشروترین و آگاهترین عناصر طبقه کارگرند که از لحاظ توانائی رهبری و هدایت مبارزات توده های کارگر و ادارا میباشند. اگر کارگران طبقه کارگر از چنین ستاد فرماندهی محروم باشند، نخواهند توانست بوزواری را سرنگون کرده و قدرت را بدست بگیرند. حزب ایذا رکسب قدرت است و برای اینکه بخوبی بتواند به وظیفه خود عمل کند میباید مستط و فقط بهترین ها را در خود منگنل نماید. طبیعی است که توده کارگران نمیتوانند با بد در سازمانهای توده ای نحت هدایت حزب منگنل شوند و در جریان مبارزات خود آبدیده، آگاه و با تجربه شده و آمادگی ورود به حزب خود را کسب نمایند.

هدف حزب طبقه کارگر که عالترین سازمان طبقاتی سرولتا ریاست. نه صرفاً بهبود شرایط کار روزگی کارگران در چهار چوب نظام سرمایه داری، بلکه با بودی این نظام و بدست گرفتن قدرت دولتی و سلب مالکیت از بورژوازی







### زنده بمان مبارزه طبقاتی در شوروی امپریالیستی!

رویزبونیستها میگویند در شوروی مبارزه طبقاتی وجود ندارد، آنها میگویند در شوروی قدرت از آن کارگران است و اینها برای مبارزه منای عینی پیدا نمی کند، آنها میگویند صحبت از مبارزه طبقاتی در شوروی جز سلیفات بوج چیز دیگری نیست....

دربرابر این خزعبلات رویزبونیستی و ارتجاعی، واقعیت مبارزه طبقاتی و بیان این حقیقت روشن از جانب ما رکیست لنینیستهای راستین فرار ندارد. کمونیستها از زمانیکه رویزبونیسم خاشاک شانه خروشنجی - برزنجی بر دستگانه حزبی و دولتی شوروی حاکمیت یافتند اعلام کردند که این حاکمیت جز حاکمیت بورژوازی نوین چیز دیگری نیست و واقعیتها را جامعه شوروی چه در عرصه داخلی و چه در عرصه خارجی بیانگر این حقیقت عریان است. حاکمیت بورژوازی که منجر به استقرار سرمایه داری گردید، جز بمنعای سلب مالکیت از پرولتاریا و استثمار ریبیرحمانه این طبقه نمیتوانست باشد. زمانیکه شدیدترین سطحهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی پرده پوش طبقه کارگر تحمیل میگردد، زمانیکه استکراسم ملی بورژوازی حاکم خلقهای شوروی را در منگنه فرار داده است، مبارزه طبقاتی پرولتاریا و مبارزه ملیت ها نمیتوانند بستر عینی نداشته باشند. امروز در شوروی یک بورژوازی انکل، ماهانه ۱۰۰۰ برابر دستمزد یک کارگر زحمتکش چیا ول میکنند (۱) و

این مسئله تنها فقر و فلاکت روزافزون پرولتاریا و فربه شدن منتهی بورژوازی فاسد را به نمایش میگذارد. این واقعیت بیانگر آن است که طبقه کارگران مومع طبقه حاکم شوروی افنا دهوا مرور به طبقه ای تحت تسلط و استثمار تبدیل شده است. تضادهای طبقاتی - کسبه انکسالی از تضاد میان نیروهای مولد و مملکت مناسبات تولیدی میباید - آن زمیسه عینی بشمار میاید که مبارزه طبقاتی راهتی میجد. جامعه امروز شوروی امپریالیستی بدون این مبارزه طبقاتی نیست. اگر چه سوسال امپریالیستی شوروی با انکاء به دستگانه پلیسی و جاسوسی خود کارگران مبارزان تحت تعقیب قرار میدهند و به مبارزه اشکاهای کار اجباری میفرستند، اگر چه هرگز از منجنج شوروی با انکاء به مبارزه و خفقان حاکم از انتقال هرگونه خیر مبارزاتی به خارج از مرزهای این کشور بیدیدترین وجهی جلوگیری بعمل میاورند، لیکن کماکان در جامعه شوروی کارگران و خلقهای ستمکش به مبارزه ادامه داده و اخبار مربوط به این مبارزات گاه به گاه به خارج از



مرزهای شوروی انتقال می یابد. همانگونه که رژیم فاشیستی شاه قادر نبود با انکاء به ساواک جنا بیگانه خود از انضام مبارزه کارگران و توده ها در برابر ایران و در خارج از مرزهای ایران ممانعت بعمل آورد، مرتدان خاشاک



حاکم پر شوروی نمیتوانند بطور کامل از انضام این اخبار جلوگیری نمایند. جندی بیسی بود که خبرگزاران بریضا خبرات و اعتراض بوده های جمهوری گرجستان شوروی را منتشر ساختند. در تاریخ ۱۰ فروردین ۶۰ صداهای از کارگران و توده های تحت تسلط جمهوری گرجستان نظرات و عیبی برپا کرده و علیه تصمیمات دولتی مپسی برتحمیل زبان و فرهنگ روسی در این جمهوری دست به اعتراض زدند. همانطور که میدا نیم بورژوازی حاکم حقوق ملیتها را مورد سرکوب قرار داده و برای تحمیل سوبونیم خود در بی نا بود کردن فرهنگ زبان ملیتها ی کونا گون است. نظرات اخیر اعتراضی بوده اهداف امپریالیستی رویزبونیستها. در این نظرات آنها به دفاع از فرهنگ ملی خود بردا ختبه و سرکوب و خفقان را محکوم ساختند. آیا این نظرات منحصر بقید است؟ نه هرگز! این نظرات در ادامه مبارزه طبقاتی و ملی جاری در جامعه سرمایه داری شوروی است. از زمان به حاکمیت رسیدن رویزبونیستها مبارزات سیاسی علیه قدرت حاکم شکل گرفته

ونگای کونا به سیر این مبارزات بنکسان میدهد که برخلاف دروغبیردا زیبا، تحریفات و سا سورویزبونیستیها و دنیا له روان آنها مبارزه طبقاتی در جامعه شوروی یک حقیقت انکارنا پذیر است. (۲)  
در سال ۱۹۶۷ کارگران مبارز شهر "چیمکنت" (Chimkent) در قزاقستان دست به اعتصاب و تظاهرات زده و یک عیش توده ای برپا دادند. آنها به اداره مرکزی پلیس آنها چنانقلابی خوده و خسارات فراوانی به بورژوازی تحمیل کردند در ماه مه مبرهان سال نیز، هزار کارگر کارخانه تراکتور سازی در "خارکف" به اعتصاب دست زدند. در اوت ۱۹۶۸ هنگامیکه ارتش مهاجم شوروی برای کنا زدن "دویچک" - بورژوازی لیبرال و تحکیم موقعیت رویزبونیستیهای طرفدار مسکویه خاک چکسلواکی حمله کرده و این کشور را اشغال نمود، در اعتراض به این تجاوز کارگران و توده های زحمتکش در مسکو، لنینگراد، خارکف، نووزیبیرسک و... دست به تظاهرات زده و میتینگ اعتراضی برپا نمودند. در ماه مه ۱۹۶۹ کارگران یک ایستگاه هیدرو الکتریک در "کی یف" (Kiev) اعتصاب کردند. در پایان سال ۱۹۷۰ توده وسیعی از کارگران در "بیلوروسی"، "کالینگراد" و "کیف" به تظاهرات همستگی با مبارزات طبقه کارگر لیتوان علیه رژیم بورژوازی - رویزبونیست "کومولکا" دست به اعتصاب زدند. در روزهای ۲۵ و ۲۶ ژوئن ۱۹۷۲ هزاران کارگر شهر "دنیپروپتروفسک" (Dniipro - Petrovsk) تحت خفقان پلیسی دست به اعتصاب زده و اقدام به راهپیمایی خیابانی میکنند، نظرها کنندگان به ادارات مرکزی پلیس حمله کرده و آنها را به اشغال خود در آورده، عکسهای بزرگ را پاره نموده و سپس آرشوهای پلیس را نابود میکنند. در همین شهر در سینه مبرهان سال کارگران، کمیته منطقه ای حزب را محاصره کرده و خواستار بهبود شرایط زندگی خود میکنند. در فوریه ۱۹۷۳ کارگران یک کارخانه در "بیلوروسی" (Bielo Russie) برای افزایش دستمزد به اعتصاب دست میزنند و امروز طبقه کارگر شوروی به مبارزه خود همچنان ادامه میدهد.  
طبقه کارگر قزاقان شوروی در مبارزه علیه بورژوازی امپریالیستی تنها نیست. دهقانان و ملیتها ی تحت تسلط روس نیز همداش کارگران به بیگانه خود ادامه میدهند. در حال حاضر ملیتها ی شوروی بر علیه سوبونیم روس بزرگ و استکراسم بورژوازی حاکم مبارزه خود را

(۱) - بیگانه شماره ۸۹ مقاله "استقامت کارگران در شوروی"  
(۲) - منبع نظرات و اعتصابات در شوروی عبارتند از اسناد آلبانی و چین قبل از حاکمیت رویزبونیستیها و از جمله کتاب "سوسال امپریالیسم شوروی را افشا کنیم" چاپ فرانسه، تاریخ ۱۹۷۲.



... ..

(۱۹۱۹۱۹)

...

... ..

(۱) ... ..

... ..

... ..

... ..

... ..

... ..

... ..

... ..

... ..

... ..

... ..

... ..

... ..

... ..

... ..

... ..

... ..

... ..

... ..

... ..

... ..

... ..

... ..

... ..

... ..

... ..

### ... ..

بقیه از صفحه ۱۸ رژیم جمهوری

که نسبت به سال قبل ۷۰٪ افزایش داشته است (میزان ۲۷ بیمن ۵۹)

فهرست زیر، بخشی از کالاهای وارداتی است که چنانچه تا راه در رژیم جمهوری اسلامی از خاکشیر (پاکستان)، بذر خیار (هلند)، گاو زنده (ایتالیا)، تاشوار (هنگ کنگ)، کاشی سفید (ترکیه)، بیخجال (آمریکا) (آنهم زمان تحریم!!)، گاو غن (شوروی) و... وارد می کنند. گروهی است اجتماعی که از غلبه این کالاها (نظیر بیخجال ۲۰

هزار تومان) استفا ده میکنند و نیز ضرورت آنها و کشورهایی که به ایران کالا می دهند خود بیانگرنیازی است که یک طبقه از اردوگاه ضد انقلاب جهانی به حلقه های دیگری یعنی کشورهای امپریالیستی، سوسیال امپریالیستی و کلا سرمایه داری دارد.

نکته ای که در مورد واردات باید اضافه کرد سودسرازی است که سرمایه داران وابسته از طریق وارد کردن کالای بی قیمت میزنند. آنها علاوه بر آنکه کالاها را به چندبرابر قیمت تمام شده

عرضه میکنند، با زد و بند با کمپانیهای صنادیر کننده بین ۵- ۲۰ درصد از بهای تمام شده بعنوان حق کمیسیون دریا نگی ای اروپائی به اسم آنان واریزمیشود و حتی طبق اخبار موشق اخبار در مورد کشورهای رویزیونیستی نیسیز واردکنندگان این مسئله را بعنوان شرطی برای خرید به این کشورهای سرمایه داری مدعی دروغین سوسیالیسم تحمیل کرده اند.

اما واردات روز افزون رژیم نیا زبانه امکانات حمل و نقل دارد و به همین جهت بود که رژیم علیرغم تمام مفا شیهای پوچش علیه رژیم ارتجاعی ترکیه در سفر اخیر وزیر تجارت خارجی تزکیه چند نفر را در ازمطه، قرارداد امتیازیت کالا را با ترکیه امضاء کرد. اخبار نیز در همین اجلاس کمیسیون فرعی ودا شمی حمل و نقل ایران و شوروی توافق شد که در سال ۷ میلیون تن کالا از طریق عبورگانه های مرزی دو کشور نقل و انتقال داده شود (انقلاب اسلامی ۲ خرداد ۶۰) و نیز در همین اجلاس توافق شده است که گشتیانی در دریای خزر بین ایران و شوروی توسعه یافند و "گشتیانی جمهوری اسلامی برای خرید گشتی مستقیماً به موسسه سودا و باجیرت جهت انجام

معامله مراجه کند" (تا کنه ا زمانه است) نمونه های بالا فقط گوشه ای از عملکردها و لنگر نه و غیانت با رژیم جمهوری اسلامی در تاراج منافع زحمتکشان و تحکیم و گسترش وابستگی به امپریالیسم میباشد. این نمونه ها به اندازهای روشن و مستدل هستند که کوچکترین خدشهای نمیتوان در عمق غیانتها رژیم جمهوری اسلامی نسبت به زحمتکشان ما وارد آورد اما علیرغم اینهمه واقعیتهای رسواکننده رویزیونیستهای خاشن حزب توده و "فدا شیان اکثریت" با پیگیری در راه غیانت به توده های زحمتکش و خدمت ما دقا نه به بورژوازی حاکم از رژیم جمهوری اسلامی، یک حکومت انقلابی ضد امپریالیست میسازند و به چشم زحمتکشان خاک میسازند. آنان در جهت برآوردن منافع ارتجاعی خود سوسیال امپریالیستهای شوروی هر ضیانتی را مرتکب میشوند که وارونه جلوه دادن حقایق از آن جمله است. رویزیونیستهای خاشن "سوسیالیست" نیز با قائل شدن "استقلال طلسمی" برای بورژوازی لیبرالهای خاشن و تراشیدن چهره "ملی" از آنان به گونه ای دیگر به بزرگ کردن چهره ارتجاعی و وابسته رژیم جمهوری اسلامی مشغول هستند. اما علیرغم مردم فریبی های خود رژیم و توجیحات و تبلیغات رویزیونیستهای خاشن زحمتکشان منهن ما در اثر تجربه روزمره خود و با باری فعالیتها ای آگاهان انقلابیون و بویژه کمونیستهای پیش از پیش به عمق ماهیت ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی و غیانتها ی بی شمار آن بی برده و با اراده ای استوار گردونه انقلاب را به پیش برده و با پیروزی سوسیالیسم آزادی واقعی و گسترش زنجیرهای بردگی را تجربه خواهد کرد.

ارزش تمام شده ۶۰ قلم کالای وارده اعلام شد

ارزش ۶۰ قلم کالای وارده و تخمین همزمان گمرکات مختلف کشور از سوی گمرک ایران اعلام شد. قیمت این کالاها که لیست کامل آن به سرویس اقتصادی کیهان ارسال شده به شرح زیر است:

نام کالا	کشور سازنده	شماره آرتیکل و یا مارک	واحد کالا	قیمت تمام شده واحد کالا (پول ایران پرداخت حقوق و عوارض گمرکی برآورد)
شیر خشک پلارگون نستله	آلمان فریب	بر قوطی ۲۵۰ گرمی	قوطی	۱۴۲
فریزر بی بی سی	اسپانیا	سی ساله ۱۵۰۹	دستگاه	۲۰۱۴۸
روغن ترمز در قوطی ۳۵۰ سی سی	اسپانیا	ویتیکر ۲۱	قوطی	۸۱
سابون توالت ۱۳۵ گرمی	آلمان	لا	عدد	۵۸٫۶
بذر خیار هلند	انگلستان	اسلوئیس گروت (۲) ۲۳۷۰۰	کیلو	۲۰۴۵
دینام پیکان	انگلستان	کرایسلر ۱۲۰۰۵۵۲	عدد	۲۰۸۹
درجه آب پیکان	انگلستان	پاس ۷۵	عدد	۲۱۹
لنت ترمز نو	یونان	نوواکومت	دست	۳۱۰
رگلا تور سیلندر گاز	ایتالیا	بی اس سان	کیلو گرم	۱۴۰
پلغور نرت	آلمان فریب	پاپ ۴	کیلو	۳۹
کاغذ روزنامه	شوروی	کاسه و شتاب	کیلو	۲۳
کاسه و شتاب بیرو خوری	فرانسه	اسپانیا	عدد	۲۰۶
شبه های دو پارچه	اسپانیا	سجارتان	عدد	۵۸۲
اجاق خوراکی خانگی	اسپانیا	آر اس جی ۲۱۶۰۸۰	عدد	۴۱۲۳
دوچرخه	آلمان	مولینکس	عدد	۲۵۵۰
چرخ گوشت برقی	ایتالیا	کولیناتور	دستگاه	۳۰۸۲۸
لیاسوئی ۶۰ کیلوگی	اسپانیا	ماگنسا	عدد	۱۲۲۲
ترازوی آشپزخانه	پاکستان	پاکستان	عدد	۲۱۱
توب وایبال	پاکستان	پاکستان	عدد	۲۱۱
توب هندبال	پاکستان	پاکستان	عدد	۲۱۱
فلفل قرمز تکوید	آلمان	۴۵۰۰	دستگاه	۱۳۰۰۹
چارو برقی اسکیدو ۱۲۰ وات	انگلستان	لیتتون	کیلو	۶۵۸
چای غیر مصل	ایتالیا	فلوین فیل یونیورسال	عدد	۲۰
گاز فندک	ژاپن	الف آرت ۳۳۵	دستگاه	۱۵۸۷
پیش انوییل اورین	ژاپن	پلاترون	دستگاه	۱۸۷۲۸۸
رات توپوتا	ژاپن	هنگ کنگ	دستگاه	۹۹۸
راديو دوموج	ترکیه	آکول	عدد	۱۲
کاشی سفید ۱۵x۱۵	آلمان فریب	لوهم	قطعه	۲۹
جوشه یکروزه تمام گذار	ژاپن	اچ بی ۲۱	عدد	۴۲۰۰
سنگ باطری	ژاپن	۱۲ اینچی	دستگاه	۴۴۴
پنکه رومیزی سانو	آمریکا	۲۴ فوت	دستگاه	۱۰۹۸۰
پیشال فریزر چهارالکتريک	آمریکا	۲۰۹۶ اینچ	دستگاه	۶۵۳۸۸
پیشال گیسون	تایوان	کره جنوبی	کیلو	۵۲۳۱
دوچرخه پیکانه	ایران	ایران	کیلو	۷۵۱
طاب نایلونی	ایران	ایران	عدد	۷۸
استون	ایران	ایران	عدد	۱۶
لاپ ۱۵ وات	ایران	ایران	عدد	۱۷
عکس میدان آزادی ۳ بندی	ایران	ایران	عدد	۴۴۱۰
عکس میدان آزادی	ایران	ایران	عدد	۱۰۲۶
دوربین چشمی کوپتار	ایران	ایران	عدد	۳۰
فلانک چای ۲۵ لیتری	ایران	ایران	عدد	۲۴۲۴
سواله	ایران	ایران	دستگاه	۱۱۲۴۰
لیاسوئی (کنه شور)	ایران	ایران	دستگاه	۵۰۴۷
موتورسیکلت سوزکی	ایران	ایران	دستگاه	۱۰۰۰۰
موتورسیکلت چویا	ایران	ایران	دستگاه	۵۰۶۰۰
دوچرخه ماژستیک	ایران	ایران	دستگاه	۲۵۰۲۴
پیشال نفی سبیر	ایران	ایران	دستگاه	۲۱۹۲
موتورسیکلت چویا	ایران	ایران	دستگاه	۳۳
آرام پز کراک پات	ایران	ایران	دستگاه	۱۱۰
لامپ فری	ایران	ایران	دستگاه	۱۶۲۰
فلورنتی ۴۰ وات	ایران	ایران	دستگاه	۳۸۰
شور	ایران	ایران	دستگاه	۱۴۷
بخاری برقی ساکورا	ایران	ایران	دستگاه	۹۰
چرخ خیاطی اسپال	ایران	ایران	دستگاه	۲۱۰۷
خاکشیر	ایران	ایران	دستگاه	۳۳۴۵۲
زردچوبه تکوید	ایران	ایران	دستگاه	۵۳
اطو برقی بخاری سانو	ایران	ایران	دستگاه	۴۵۸۴۱
اجاق گاز فردار	ایران	ایران	دستگاه	۳۵۰۶
شیر هلمی	ایران	ایران	دستگاه	۱۰۹۶
پیشال فریزر زمین	ایران	ایران	دستگاه	
پلوپز سانو	ایران	ایران	دستگاه	
اطوری	ایران	ایران	دستگاه	







### گواهی یاد شهدای ۹ خرداد



سالروز سرکوب و کشتار خلق عرب به دست مدنی جلاوویسیلیسه سیا به ساداران و کماندوهای ارتش، سالروز مفاومت خونین سودههای زحمتکش عرب، سالروز نمايش اراده خلق عرب برای بدست آوردن حق تعیین سرنوشت در اتحادیه با برخلقیهای ایران، گرامی باد.

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست!  
برترتو را جمهوری دیکراتیک خلق!  
سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر!  
تشکیلات خوزستان (۶۰/۳/۵)

### بقیه از صفحه ۲۸ حملات

طول درگیری مواضع پیشمرگان و روستاهای اطراف را با خمپاره ۸۱ میلی متری میکوبیدند. اثر شدت درگیری، دشمن برای جمع آوری اجساد کشتههای خود مردم را سیرقرا ردا ده بود. اما اهالی مبارز محل مقاومت میکردند که در نتیجه ۲۲ نفر از آنها توسط مزدوران رژیم دستگیر شدند. دشمن در معیت هلیکوپترها توانست اجساد را جمع آوری کند. در این درگیری که حدود ۷ ساعت طول کشید، مزدوران جمهوری اسلامی در مقابل حملات انقلابی پیشمرگان پس از کشته و زخمی شدن تعداد زیادی از افراد خود، عقب نشینی نمودند. یکی از کشتهها فرمانده عملیات با ساداران سندنج بوده است. همچنین چندین خودرود دشمن آسیب دیده دریا یا ن شیرد پیشمرگان سالم به یگانهای خود یا خودبا زگشتند. در این جریان پیشمرگان بیکار را پیشمرگان کومله همکار داشتند. مقاومت قهرمانانه پیشمرگان کومله روحیه مبارزاتی مردروستاها را منطبق با لایه برده است و هنگامیکه پیشمرگان به روستاها بازگشتند مورد استقبال پر شور و گرم نظیر اهالی قرار گرفتند.

(نقل و تلخیص از خبرنامه ۱۲۶ کومله)

### سعید سلطانپور آزاد باید گردد

مدتی است که سعید سلطانپور، شاگرد و هنرمند مبارز دوران رژیم شاه به دست مرتجعین حاکم دستگیر شده است. او که سابقا در سیاهچالههای رژیم شاه زندانی بوده هم اکنون نیز در زندان بسر میبرد. دستگیری او در چهار چوب سرکوبها و فشارهاست که رژیم علیه نیروهای کمونیست و انقلابی و هنرمندان و نویسندگان مبارزین کار میبرد. ما همصدا با دیگر نیروهای انقلابی دستگیری او را محکوم میکنیم و آزادی او را همانند آزادی همه زندانیان سیاسی انقلابی و مترقی مصرای خواهیم.

رفقا، ضمن فاضل مبارز قدیمی  
و یار خلق فلسطین  
و عزیزان حماسی (شستانی)  
فرزند خلق بلوچ آزاد باید گردند!

### بقیه از صفحه ۱۲ بودجه

کشورهای امپریالیستی فراهم مینماید. این صنوعات شامل گالاهای مصرفی و نیکولاهای واسطهای و ماشین آلات برای صنایعی که از لحاظ تکنولوژی و سرمایه وابسته اند میگردند. همچنین نقش این منابع مالی در توسعه امکانات و تسهیلات زیربنایی و غیره (طبق همان ساختار الگوئی که با نیا زمینههای امپریالیسم و ویژگی یک کشور وابسته منطبق است) به مدور سرمایههای امپریالیستی به این کشورها ابعاد بیشتری میدهد.

ایقنای الگوی مذکور وضعیت موجود این کشورها را بعنوان کشورهایی که با زار فروش حوزه مدور سرمایه و مناطق معاملات سودمند برای امپریالیستها هستند تداوم خواهد بخشید. در کشور ما همانطور که قبلا اشاره کردیم در آمد نفت، سهم عظیمی در درآمد ملی داشته و لذا بخش عمده بودجه دولت را نیز تشکیل میدهد. اینک به بررسی درآمد حاصل از نفت در بودجه سال ۶۰ میپردازیم.

(ادامه دارد)

### بقیه از صفحه ۷ سرکوب

و در درگیریهایی که روی میدهد، چندین زن زحمتکش به شدت مضروب شده و از شدت ضربات قنداق تفنگ یا ساداران و سیاهچالگان، صورت بچهای که در بغل مادرش بود کبود میشود. مردم نیز متقابلا در دفاع از خواستههای حق خود بیسازمان تعدادی از ساداران را با ربه میکنند. عمال مزدور رژیم گداز سرکوب مردم، نمیتوانند کاری بیش بکنند و بیچارهها به

دستگیری چهار نفر از زحمتکشان می بردا زندک  
البتة با فشارهای زحمتکشان ناچار میشوند

بتدریج آنها را آزاد کنند .

با وجودی که اهالی سیاهچالک پس از درگیری چهار نفر نماینده زمین خود انتخاب کرده و برای مذاکره با صباغیان که مسئول تصویب این لایحه بود میفرستند ولی طبق معمول ترتیب اثری به خواسته آنها داده نمیشود .

### زندانی سیاسی انقلابی، بهمت تودهها آزاد باید گردد!

### پیروز باد انقلاب دمکراتیک - ضد امپریالیستی خلق عمان

نهم ژوئن (۱۹ خرداد) مصداف است با نا نژدهمین سالگرد آغاز مبارزه مسلحانه خلق در عمان. ما بدین مناسبت ضمن گرامیداشتن خاطره اینروز، از مبارزه انقلابی دمکراتیک و ضد امپریالیستی خلق عمان علیه امپریالیستهای انگلیسی و آمریکائی رژیم دست نشانده سلطان قابوس و دیگر رژیمهای ارتجاعی منطقه خلیج حمایت میکنیم.





بقیه از صفحه ۲۲ یادداشتها...

کردن او در متن حوادث و رویدادها از خود نشان نمیدهد، البته بنی صدر در همان محاسبه، جا را برای رویارویی با خمینی درآینده بطور تلویحی باز گذاشت و گفت: "من روی اصولی که پذیرفته‌ام و اعتقادی که دارم مقابل اما نخواهم تنسید، بنا بر این من تا این حد ایستادگی نخواهم کرد و از این حد به نظر آنجه را که صحیح بداند بپذیرم خواهی گفت." (مباحثه بنی صدر، روزنامه ۹ خرداد ماه)

بدین ترتیب میتوان دریافت که او چگیری تضادهای دو جناح لیبرالها و حزب در حکومت، در سرانجام خود بطور اجتناب با پذیر و علیرغم نیات هر طرف، خمینی را سربلند کرده و این تضادها خواهد شد که نتایج بدی را در پی داشته باشد. گیری های عمومی وی، از او آوار به بقایا بل آنگاه با لیبرالها، بویژه بنی صدر، خواهد نمود. این موضوع در واقع به معنای آن است که در راستای سند این تضادها، خمینی بیش از پیش بوسند ظاهری ما و راه طبقاتی خویش را خواهد شکست، هر چند که بلاحظه او، این جهت گیری به معنای فروریختن چهره "مسیحی" و "مقدس" ولی است که میکوشد تا شکست برحمیت ظاهری او را طبعی خویش، رژیم کنونی را تیلورزمینی "اراده و معیشت الهی" بنماید اما بداند آنگاه از دستگیری سوره ها در آن زمان سماند.

بهر صورت، یکی از مهمترین سناج و نکات برجسته حوادث و رویداد های سیاسی جدید در گذشته، همین تضاد و رویارویی آیت الله خمینی رسی میبود که بوضع سطح جامعه ایران و عیان گردید.

علاوه بر این در مباحثه آیت الله خمینی، آنچه که به نحو برجسته ای محسوس بود، ترس و هراس بیسابقه وی از دامن گرفتن ناراضی و مبارزه مردم بر علیه نظام جمهوری اسلامی بود. او علیرغم همه تاکیدات کاذب و عوام فریبانه‌ها سسر پشتیانی مردم از "سلام" و "جمهوری اسلامی" و تکرار مکرر آن، بوضوح "سناج زهای آبنده را که همه حکومت را در کما خود فرو خواهد برد، بیس بیسی و نسبت بدان هشدار داد و سردمداران رژیم بویژه لیبرالها را به درک این موقعیت خطیر فرا خواند. او با هراس تمام از یکی از ایام الله سخن گفت که در آن سرنوشت جمهوری اسلامی به سرنوشت رژیم منقورنا هسنا هی دچار شود: "بترسید؛ زاینکه یک وقت انفجاری حاصل شود و همه ما را به باد دهنده دهد." و "بترسید از آن روزی که این مردم فهمند دریا طن ذات شما چیست و یک وقت انفجار حاصل شود، از آن روز بترسید که ممکن است یکی از ایام الله خدای بخواند، با زبیدای بنی و آبرود دیگر قضیه این نیست که بر گردیم به ۲۲ بیمن، قضیه این است که تا چند همه ما را میخواند" (همان سخنرانی)

آیت الله خمینی، در سیمای اوضاع سیاسی کنونی، بوضوح آن "یوم الله" را پیش بینی میکند. او بوسیله وی غریبه طسقا نی خود درک میکند که



بقیه از صفحه ۴  
صنعت نفت:

رژیم جمهوری اسلامی با شروع جنگ ارتجایی علاوه بر آوار نمودن هزاران تن از حمتکنان منطقه و خانواده های کارگران، با وضع قوانین ارتجایی سعی نمود که کارکنان صنعت نفت را از آوارا بهر قیمت و ادا به رعایت ساعات کار قبلی بنماید. اما کارکنان صنعت نفت که به تدریج ماهیت رژیم و جنگ ارتجایی برای شان روشن میشد، دیگر حاضر نبودند به گوشت دم توب سرمایه داران تبدیل شده و به بخشنامه ها و قوانین ارتجایی رژیم گردن بگذارند. کارکنان میا ریز برای کاهش روزهای کار دست به مبارزه زده و موفق شدند تا ایام کار خود را به ۳ هفته کار، دو هفته استراحت برای کارکنان روزگار و روزگار ۵، روز استراحت برای کارکنان نوبتکار رسانند. رژیم بدشال این مبارزات پیروزمند، با سراسیمگی بخشنامه های با مضای نخست وزیر صادر کرده و طی آن اولاً خواستار "تطبیق کارموسسات با اساننداری "زناسیا" اجرای ایام کار به صورت ۴ هفته کار، ۴۰ روز استراحت میشود. اما اساننداری خوستان و مسئولین دولتی صنعت نفت از بیم او چگیری اعتراضات کارکنان جرات اجرای اس بخشنامه را پیدا نکردند و بلافاصله بحثها مبد دیگری با مضای یکی از مقامات صنعت نفت مادر کرده و بسویه مزورانه ای ایام کار را ۳ هفته کار و ۴۰ روز استراحت تعیین میکنند و سنا و در مبارزات کارگران را با بترمی "طرح آزما ییسی" جلوه داده و اوضاع جنگی و طاقت نرسای مطلقه را با کلمه "غیر عادی" لابوشانی کرده و ساعت به ساعت کارکنان را سناستند.

هدف رژیم از بخشنامه های بالا فقط و فقط استنما ر بیشتر کارگران و تصرف دستاورد مبارزاتی آنهاست.

کارگران مبارز صنعت نفت! بکشیم همیای سایر کارگران ایران از دستاورد های مبارزاتی خود همچون مردمک چشم محافظان ما شیم. ۳- آب و برق اهواز: کارگران مبارز سازمان آب و برق اهواز که در اردیبهشت ماه در طی مبارزات خود موفق شده بودند ساعت کار خود را به علت شرایط جنگی ۲۱ روز کار و ۷ روز استراحت تثبیت کرده و به رژیم تحمیل نمایند در تاریخ ۶۵/۳/۱ با بخشنامه ای به مضای مدیر عامل آب و برق اهواز و بیرو می شونند که در آن اعلام شده بود که ساعات کار کارگران از تاریخ فوق بصورت عادی خواهد بود.

کارگران مبارز که ساعات کار خود را در طی مبارزاتشان بدست آورده بودند، اکنون در مقابل بخشنامه مذکور رگری فوق یکبارجه مقاومت کرده و فعلا بر طبق ساعات کاری که خود تعیین کرده اند بسرکار میروند و توطئه رژیم تاکنون نا کام مانده است.

کارگران مبارز!

چشم اندازی که رژیم جمهوری اسلامی در سال جاری در مقابل شما قرار داده چیزی جز سرب و مبارزات برحق کارگری به هر قیمت، بی گرفتن دستاورد های مبارزاتی تان (۴۵ ساعت کار در هفته...) دستگیری و اخراج کارگران مبارز، برهم زدن شوراها و واقعی و برانداختن شوراها و فلابی و... نیست. اتحاد دو یکبار چگی و تشکل و آگاهی شماست که این توطئه ها را چون تخی سربالا بصورت رژیم سرمایه داری بر خواهد گرداند

پس پیش بسوی تشکیل شوراها و واقعی!

در پس این بحران سیاسی و شکاف ها و لرزشهایی که بر اندام نظام کنونی ایجاد شده است، نطفه طوفان ها نی نهفته است که رژیم سیاسی ارتجایی حاکم را از بیخ و بن بر خواهد کند. او شکافهای ناشی از گسترش مبارزه طبقاتی و رشد آگاهی توده ها در یک جمهوری اسلامی را بخوبی احساس میکنند و میبینند که بنا زعات میان جناحهای مختلف حکومت، همچون تیشه ای هر دم این شکاف ها را با زتر میکند. این چنین است که او فرا ترا زمانه این با آن جناح - علیرغم آنکه به پشتیانی از جناح حزب در برابر لیبرالها برخاسته است - مصالح کل نظام سرمایه داری و رژیم بورژوازی حاکم را کوشد میکند. او همین جا است که هر گونه خطائی را، چنانچه سرنوشت "سلام" و یا در واقع، رژیم سیاسی و نظام سفسرو حاکم دشمنه وارد آورد، از جمله کناهای نابخودنی میداند و دعا ملس آن را "تسندی الارض" میسناد و صد البته که در این سسر روی سخت پیش اهرکس به لیبرالها و

منجمله بنی مدر است. سخنرانی آیت الله خمینی، در واقع به منظور مقابله با بحران سیاسی کنونی و بویژه بحران درونی حکومت، که در طی این دوره اخیر به بالاترین حد خویش و به بن بست تنافضی آفرینی گرفتار آمده بود، ایراد گردید. لیکن این سخنرانی و این هشدارها چه بلاحظ ماهیت این بن بست و کیفیت آن در شرایط حاضر و چه به لحاظ روند اجتناب نا پذیر حرکت تضادها در شرایط کنونی جامعه، تا ثیری جدی در فروکش این بحران نخواهد گذاشت، حتی به اندازه موارد گذشته نیز نمیتواند بستوان داری مسکن موثری واقع شود. درست به همین دلیل است که می بینیم علیرغم این اظهارات و حملات خمینی، صحنه سیاسی جامعه کماکان عرصه تاخوت و نازهای رفیای حکومتی بر علیه یکدیگر است. و این واقعیتی است که علیرغم راه زعمای هر جناح بنا گزیر خویششان را تحمیل کرده است. بن بست درون حکومت یک بن بست واقعی است!

